

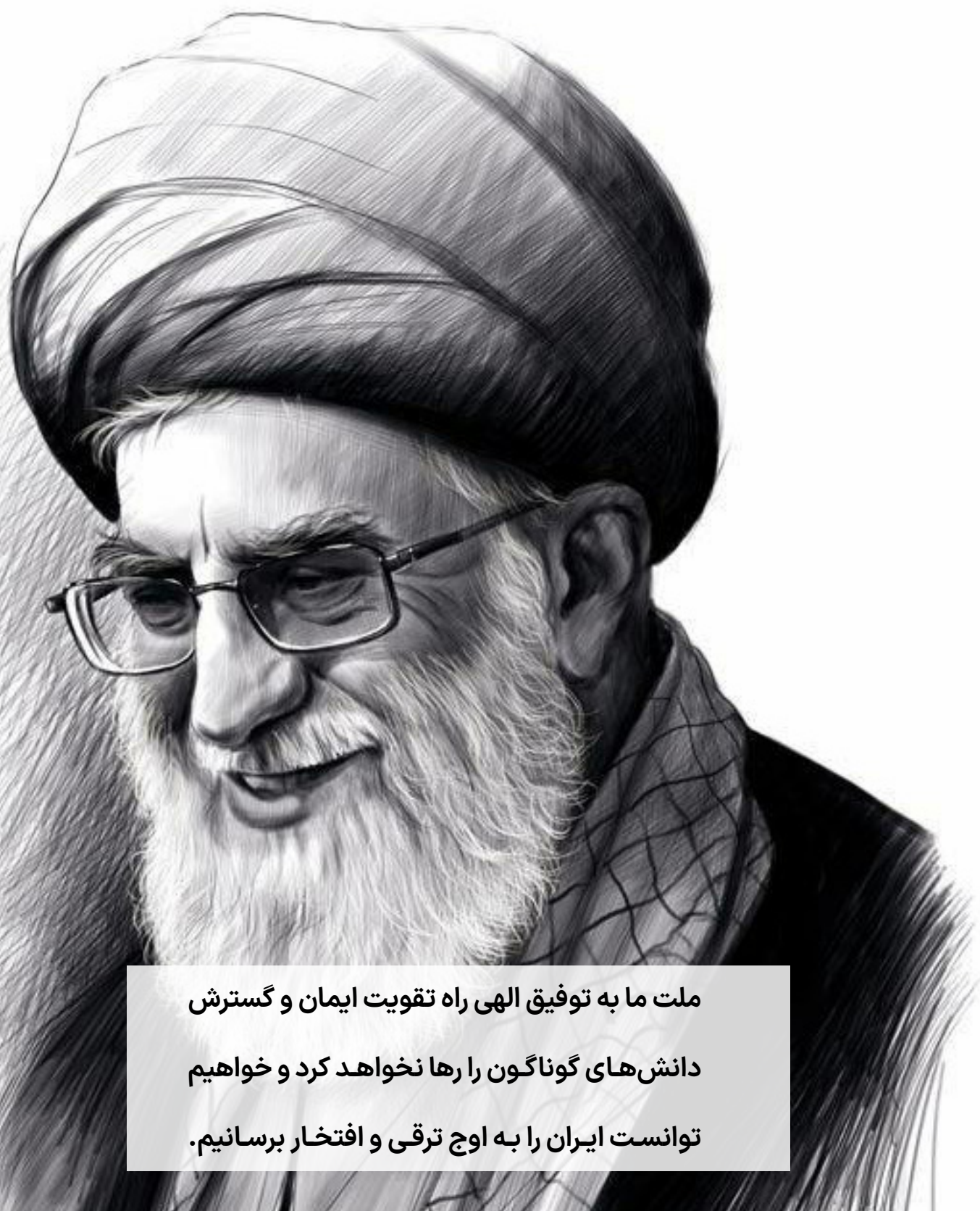
آوان

فصلنامه علمی فرهنگی آوان | شماره اول | پاییز ۱۴۰۴
بسیج دانشجویی مرکز آموزش عالی حضرت خدیجه کبری (س) دزفول
شمارگان: ۱۰۰ نسخه / قیمت: رایگان

در این شماره میخوانیم

- بررسی یلدا از منظر اساطیری و فلسفه وجودی
- تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ گفتگو
- بررسی جایگاه زن در ادبیات فارسی
- نقش دانشجو در جنبش‌های اجتماعی؛ دانشجو، راوی اقتدار ملت
- کتاب، معمار پنهان ذهن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ملت ما به توفیق الهی راه تقویت ایمان و گسترش
دانش‌های گوناگون را رها نخواهد کرد و خواهیم
توانست ایران را به اوج ترقی و افتخار برسانیم.



فهرست



دانشگاه گیلان



سخن سردبیر	صفحه ۴
بررسی یلدا از منظر اساطیری و فلسفه وجودی	صفحه ۵
اختلالات یادگیری	صفحه ۷
شعرخوانی در مدارس	صفحه ۹
بررسی جایگاه زن در ادبیات فارسی	صفحه ۱۰
تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ گفتگو	صفحه ۱۲
روایت جهان با لمس، صدا و عشق	صفحه ۱۴
چرخه پژوهش؛ از ایده تا اجرا	صفحه ۱۵
نقش دانشجو در جنبش‌های اجتماعی	صفحه ۱۶
استقبال از مسافر بی‌نام	صفحه ۱۸
بسیج؛ از تشکل دانشجویی تا مکتب تربیت‌ساز	صفحه ۱۹
گزارش کارگاه خلاقیت در تدریس	صفحه ۲۲
آینه زندگی در مکتب فاطمی	صفحه ۲۳
جدول و سرگرمی	صفحه ۲۴
کتاب، معمار پنهان ذهن	صفحه ۲۵
بررسی تاثیر نظام دوری در آموزش	صفحه ۲۶
Why Teaching English to Teachers Matters?	صفحه ۲۸
چهره پنهان نظام آموزشی؛ روایت مدیری که فرار کرد	صفحه ۲۹
خاطرات دفاع مقدس	صفحه ۳۰
شعر «از من می‌پرس که کیستی...»	صفحه ۳۲

نشریه آوان | شماره اول | پاییز ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰ نسخه / قیمت: رایگان

شماره مجوز: ۵۱۳۰۰/۷۸۵/۵۱۳/۲

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی مرکز آموزش

عالی حضرت خدیجه کبری (س) دزفول

مدیر مسئول: پریا جمشیدیان

سردبیر: مهتا یوسفی‌پور

صفحه آرا: زهره رحیمی کورکور

طراح جلد: زهره رحیمی کورکور

طراح لوگو: فاطمه شاهی

ویراستار: مهتا یوسفی‌پور

هیئت تحریریه:

پریا ملا محمدی

شقایق بداغی گله

فائزه رستمی

زهره رحیمی کورکور

مریم غریبی دربی

حدیث مولایی

فاطمه شاهی

مریم صابرزاده

معصومه رشیدجلودار

فاطمه کوچک‌زاده

مبینا معینی‌راد

هستی پیرزه

مهتا یوسفی‌پور

زهره چراغی‌فر

مهدیه آریان‌پور



با ما همراه باشید...



سخن سردیر

به نام خداوندی که اندیشیدن را آغاز هر دانایی قرار داد. نشریه‌ی آوان با هدف ایجاد فضایی تازه برای گفت‌وگوی علمی و فرهنگی ایجاد شده است؛ فضایی که در آن اندیشه‌ها مجال رشد یابند و تجربه‌های واقعی آموزشی در کنار یافته‌های پژوهشی مطرح شوند. آوان بر آن است که پلی میان دانش دانشگاهی و نیازهای میدانی نظام تعلیم و تربیت ایجاد کند و با گردآوری نگاه‌های متنوع، سهمی هرچند کوچک در ارتقای کیفیت آموزش کشور داشته باشد. این نشریه تلاشی است برای شکل‌دهی به یک جریان فکری که در آن پرسشگری، پژوهش و فهم عمیق جهان اطراف جایگاه نخست را دارد.

در این مسیر، باور ما این است که نقش دانش‌جو معلمان به عنوان معلمان آینده نقشی حیاتی و تعیین‌کننده است. آنان باید فراتر از دریافت‌کنندگان دانش آموزشی، به پژوهشگران عرصه‌ی تربیت تبدیل شوند؛ افرادی که با مطالعه‌ی مستمر، تحلیل انتقادی و بررسی علمی تجربه‌های خود، توانایی ایجاد تغییر در کلاس‌های درس فردا را به دست می‌آورند. یادگیری برای دانش‌جو معلم صرفاً یک وظیفه‌ی دانشگاهی نیست؛ یک ضرورت حرفه‌ای و یک مسئولیت اجتماعی است. جهان امروز به معلمانی نیاز دارد که قدرت تشخیص داشته باشند، به داده‌های علمی تکیه کنند، با فرهنگ جامعه ارتباط برقرار کنند و کیفیت تدریس خود را به‌طور مداوم ارتقا دهند.

آوان در نخستین شماره‌ی خود می‌خواهد یادآور شود که آموزش و پرورش پویا بدون اندیشه‌ی علمی و فرهنگ زنده ممکن نیست. هر مقاله، هر گفت‌وگو و هر یادداشتی که در این نشریه منتشر می‌شود، تلاشی است برای تقویت این نگاه و دعوتی به اندیشیدن، خواندن و دوباره خواندن. امید داریم آوان برای دانش‌جو معلمان، پژوهشگران جوان و علاقه‌مندان به حوزه‌ی آموزش، همراهی قابل اعتماد باشد؛ همراهی که در کنار ارائه‌ی محتوا، شوق یادگیری و مسئولیت علمی را نیز زنده نگه می‌دارد. این آغاز راه ماست و به یقین ادامه‌ی آن با اندیشه‌ها، نقدها و حضور شما معنا پیدا خواهد کرد.

مهتا یوسفی‌پور





داشت. این شب، نماد تولد دوباره امید و شکست سختی‌ها و آغاز چرخه‌ای جدید از زندگی است. گردهم آمدن اعضای خانواده در کنار بزرگان، تنها یک رسم نیست، بلکه نمادی از اتحاد، پاسداری از میراث فرهنگی و تقویت بنیان خانواده است. این با هم بودن، پاسخی انسانی به ترس از تاریکی و انزوا بوده‌است.

سفره یلدا نیز دربرگیرنده گنجینه‌ای از نمادهاست؛ هندوانه با رنگ قرمز و شکل گرد، نماد خورشید در نظر گرفته می‌شود و خوردن آن در دفع بیماری و سرما در زمستان موثر است. انار با دانه‌های فراوان نیز نماد برکت، باروری و زایش می‌باشد و آجیل هم به عنوان نماد پایداری و مقاومت در برابر سختی‌های فصل سرما در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین بخور دادن با چوب سنجد برای پاکسازی فضای خانه از انرژی‌های منفی نیز مرسوم بوده است.

آیین‌ها و مراسم منطقه‌ای:

اگرچه آیین‌های اصلی یلدا در سراسر ایران مشترک

هستند، اما هر منطقه آیین‌های ویژه‌ای نیز وجود دارد. شاهنامه‌خوانی و فال حافظ، از مهم‌ترین آیین‌های مشترک هستند و حافظ‌خوانی و تفأل به دیوان او، درچه‌ای به سوی تفکر عرفانی و غور در مفاهیم عمیق زندگی در نظر گرفته می‌شود. از آیین‌های منطقه‌ای نیز می‌توان به آیین رایج در میان مردم لرستان اشاره کرد که در آن جوانان با آویختن شال از پشت بام همسایه، از او درخواست آجیل و میوه می‌کنند که آیینی شبیه به قاشق‌زنی است. در شیراز نیز مردم سفره‌ای مانند هفت‌سین می‌گسترانند که در آن آینه، شمع، اسپند و انواع خوراکی‌ها وجود دارد. مردم در ملایر و قوچان نیز فرش و لباس‌ها را پیش از یلدا در آب‌های جاری می‌شویند تا برای آمدن عمو چله آماده شوند. در کازرون و بروجرد هم خانواده‌های متمکن به قربانی کردن گوسفند یا گاو و پختن کباب برای میهمانان می‌پردازند.

بحث و نتیجه‌گیری:

شب یلدا، تنها یک جشن باستانی نیست، بلکه

سامانه‌ای فلسفی است که چگونه زیستن و امیدوار بودن را به انسان می‌آموزد. این آیین، با نمادهای قدرتمند خود، از زایش مهر تا گردهمایی خانواده، از سفره رنگین تا قصه‌های پدران، پیام‌هایی جهان‌شمول دارد: پیروزی نور بر تاریکی، حقیقت بر دروغ، و زندگی بر مرگ. یلدا به ما یادآوری می‌کند که پایان هر تاریکی، طلوع روشنائی است و پس از هر سختی، گشایشی در راه است. پاسداشت این میراث کهن، نه تنها حفظ یک سنت، بلکه زنده نگاه داشتن مفهومی عمیق از امید و تاب‌آوری در فرهنگ انسانیت است.

فهرست منابع:

۱. وزیری، س. (۱۳۸۹). جشن‌های کهن ایرانی. تهران: انتشارات واج.
۲. رجبی، پ. (۱۳۷۵). جشن‌های ایرانی. تهران: انتشارات فرزین.
۳. سفیدگرشنانقی، ح. (۱۳۸۹). جشن شب یلدا در ایران. تهران: انتشارات طرح آینده.



اختلالات یادگیری؛ حقیقتی پنهان در کلاس‌های پریاهو

با دشواری در رمزگشایی واژه‌ها، پردازش واجی و روان‌خوانی همراه است. کودک مبتلا ممکن است در تشخیص صداها، تطبیق آن‌ها با حروف و تحلیل ساختار واژگان با مشکل مواجه شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد نقایص پردازش واجی، ضعف حافظه کاری و مشکلات توجه دیداری از عوامل اصلی مرتبط با این اختلال هستند. آموزش‌های ساختارمند، چندحسی و مبتنی بر تمرین‌های آوایی و راهبردهای رمزگشایی از مؤثرترین مداخلات درمانی به شمار می‌روند.

نارسانویسی (دیسگرافیا)

نارسانویسی به مشکلات پایدار در تولید نوشتار اشاره دارد و با دشواری در شکل‌دهی حروف، فاصله‌گذاری، ترتیب کلمات و روانی نوشتار شناخته می‌شود.

ماهیت اختلالات یادگیری

اختلالات یادگیری به دسته‌ای از مشکلات پایدار در مهارت‌های تحصیلی پایه اشاره دارد که معمولاً در حوزه‌های خواندن، نوشتن و ریاضیات بروز می‌کنند. این اختلالات با هوش کلی کودک تناسبی ندارند و بیشتر ناشی از تفاوت در فرایندهای شناختی همچون توجه، حافظه، پردازش واجی و یکپارچگی دیداری-حرکتی هستند. شواهد پژوهشی تأکید می‌کند که تشخیص زودهنگام و ارائه مداخلات هدفمند، می‌تواند عملکرد تحصیلی این کودکان را به شکل قابل‌توجهی بهبود بخشد.

نارساخوانی (دیسلکسی)

نارساخوانی شایع‌ترین اختلال یادگیری است و

شقایق بدایغی گله

آموزش ابتدایی
ورودی ۱۴۰۱



مقدمه

اختلالات یادگیری از مهم‌ترین چالش‌های پنهان در نظام‌های آموزشی به شمار می‌روند؛ چالش‌هایی که برخلاف تصور رایج، ناشی از ضعف هوش و کم‌کاری یا بی‌توجهی کودکان نیستند و ریشه در تفاوت‌های موجود در سازوکارهای شناختی، عصبی و پردازشی ذهن آن‌ها دارند. هم‌چنین می‌توانند بر نحوه دریافت، پردازش و بازتولید اطلاعات اثر گذارند. شناخت علمی این پدیده‌ها شرط لازم برای طراحی مداخلات آموزشی مؤثر و ایجاد محیط‌های یادگیری حمایت‌گر است.



منابع

۱. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). روان‌شناسی تربیتی و اختلالات یادگیری. تهران: انتشارات دوران.
۲. محمودیان، بهزاد. (۱۴۰۰). روان‌شناسی اختلالات یادگیری. تهران: نشر دانژه.
۳. حسینی، ف.، قنبری، ش و محمدی، م. (۱۳۹۹). بررسی ویژگی‌های شناختی در کودکان نارساخوان. نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۵۰ (۴)، ۴۸۵-۵۰۰.
۴. یزدانی، س. (۱۴۰۱). اختلال ریاضی و عوامل شناختی مرتبط. پژوهش‌های نوین در علوم تربیتی، ۱۰ (۲)، ۱۴۴-۱۲۷.
۵. رستمی، م. (۱۴۰۰). ویژگی‌ها و مداخلات آموزشی مرتبط با نارساخوانی. تحقیقات آموزش و یادگیری، ۱۵ (۱)، ۸۰-۶۵.

محدود نمی‌شوند و می‌توانند پیامدهای مهمی در حوزه‌های عاطفی و اجتماعی به همراه داشته باشند. تجربه شکست‌های مکرر، کاهش اعتمادبه‌نفس، اضطراب تحصیلی و دوری از محیط مدرسه از جمله پیامدهای شناخته‌شده‌اند. بنابراین، حمایت عاطفی و ایجاد فضای آموزشی پذیرا و تشویق‌کننده، در کنار مداخلات تخصصی، برای حفظ سلامت روان و انگیزش کودک ضروری است. نقش خانواده، مدرسه و متخصصان در تشکیل شبکه‌ای حمایتی برای کودکان دارای اختلالات یادگیری حیاتی است.

نتیجه‌گیری

اختلالات یادگیری نشان‌دهنده تفاوت در نحوه پردازش اطلاعات است. تاریخ علم و هنر نشان داده است که بسیاری از افراد موفق با وجود چنین اختلالاتی توانسته‌اند دستاوردهای برجسته‌ای در زمینه هنر، ادبیات و علم خلق کنند. شناسایی دقیق، مداخله به‌موقع و فراهم‌سازی فرصت‌های آموزشی مناسب می‌تواند زمینه شکوفایی استعدادهای کودکان دارای اختلالات یادگیری را فراهم سازد. درک این تفاوت‌ها و برخورداری از نگرش حمایتی، گامی اساسی در جهت تحقق عدالت آموزشی است.

مطالعات نشان می‌دهد ضعف مهارت‌های حرکتی ظریف، نقص در برنامه‌ریزی حرکتی و مشکلات سازمان‌دهی ذهنی از عوامل مؤثر در بروز این اختلال هستند. مداخلاتی همچون تمرین‌های تقویت هماهنگی چشم و دست، فعالیت‌های دیداری-حرکتی و آموزش تدریجی مهارت‌های نوشتاری، نقش مهمی در بهبود عملکرد این کودکان دارند.

اختلال ریاضی (دیسکلکولیا)

اختلال ریاضی با دشواری در درک مفاهیم عددی، تشخیص الگوها و انجام عملیات ساده ریاضی همراه است. این مشکلات نه ناشی از ضعف در فهم مطالب، بلکه مربوط به تفاوت در نحوه پردازش اطلاعات عددی و فضایی است. استفاده از روش‌های آموزشی مبتنی بر ارائه ابزارهای دیداری، بهره‌گیری از وسایل عینی و پیوند دادن مفاهیم ریاضی به تجربه‌های واقعی زندگی، بر اساس شواهد پژوهشی، از اثربخش‌ترین راهبردهای آموزشی در این حوزه محسوب می‌شود.

پیامدهای عاطفی-اجتماعی

اختلالات یادگیری صرفاً به عملکرد تحصیلی کودک

x x x x x x x x x x x x



فائزه رستمی

آموزش ابتدایی

ورودی ۱۴۰۱



شعرخوانی در مدارس؛ پیوند زبان، اخلاق و عرفان

پژوهش‌های جدید نیز تأکید می‌کنند که بهره‌گیری از زبان فارسی در نگارش آثار عرفانی، هم به ادبیات فارسی هویت تازه‌ای می‌بخشد و هم غنای زیبایی‌شناسانه عرفان اسلامی را دوچندان می‌کند. عرفان اسلامی در قالب شعر فارسی، اخلاق، معنویت و عدالت را وارد ادبیات کرده و آن را از مدیحه‌سرایی درباری به عرصه‌ی تربیت و آموزش کشانده است. به همین دلیل، آموزش شعر عرفانی در مدارس می‌تواند علاوه بر تقویت زبان و حافظه، زمینه‌ساز تربیت اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان باشد. برای تحقق این هدف، روش‌های آموزشی باید خلاقانه و تدریجی باشند. استفاده از شعرهای کوتاه و آهنگین در پایه‌های ابتدایی و اشعار عرفانی ساده در مقاطع بالاتر باعث می‌شود تا دانش‌آموزان کم‌کم با مفاهیم معنوی آشنا شوند. همچنین بهره‌گیری از موسیقی و تصویر برای تقویت تخیل، جمع‌خوانی شعر برای ایجاد نشاط، و پیوند دادن شعر با تجربه‌های روزمره‌ی دانش‌آموزان از راه‌های افزایش جذابیت و اثرگذاری در یادگیری است.

البته در این راه چالش‌هایی نیز وجود دارد. مفاهیم عرفانی گاهی برای کودکان دشوار است و اگر بیش از حد ساده‌سازی شود، معنا و ارزش اصلی شعر از دست می‌رود. اینجاست که نقش معلم پررنگ می‌شود؛ او باید با هدایت درست، هم زیبایی شعر را نشان دهد و هم معنای آن را به زبان قابل فهم برای دانش‌آموزان توضیح دهد.

در انتها باید بیان کرد که شعرخوانی در مدارس تنها یک فعالیت زبانی نیست. این کار ادامه‌ی سنت دیرینه‌ی استفاده از ادبیات فارسی برای تربیت اخلاقی و معنوی است. اگر آموزش شعر با خلاقیت و تدریج همراه شود، می‌تواند نسلی را پرورش دهد که علاوه بر توانایی زبانی، از عمق اخلاقی و معنوی بیشتری برخوردار باشد.

شعر در فرهنگ ایرانی همیشه جایگاهی ویژه داشته است؛ نه تنها به عنوان هنری برای زیبایی کلام، بلکه به مثابه ابزاری برای تربیت ذهن و روح. کودکان از همان سال‌های نخست زندگی با شعر در قالب لالایی‌ها و ترانه‌های ساده آشنا می‌شوند و همین تجربه‌ی ابتدایی، پایه‌ای برای رشد ذهنی و زبانی آن‌هاست. پژوهش‌های آموزشی نشان داده‌اند که حفظ و خواندن شعر در سنین پایین، حافظه را تقویت می‌کند، تمرکز را بهبود می‌بخشد و احساسات کودک را پرورش می‌دهد. موسیقی و ریتم شعر، یادگیری واژه‌ها و ساختار زبان را ساده‌تر می‌سازد و تجربه‌ی یادگیری را برای کودک به فعالیت‌ی خوشایند و خلاقانه تبدیل می‌کند.

در مدرسه نیز شعرخوانی می‌تواند فضای یادگیری را زنده‌تر کند. جمع‌خوانی شعر، علاوه بر ایجاد نشاط، هم‌بستگی میان دانش‌آموزان را تقویت می‌کند و باعث می‌شود مفاهیم آموزشی در ذهن آنان ماندگارتر شود. کودکان از شنیدن شعر لذت می‌برند، نه به خاطر صنایع ادبی، بلکه به دلیل موسیقی کلام که آن‌ها را به جنبش و شادمانی وامی‌دارد. همین ویژگی شعر، آن را به ابزاری مؤثر برای آموزش تبدیل کرده است.

اهمیت شعر تنها در جنبه‌های زبانی و آموزشی خلاصه نمی‌شود. ادبیات فارسی سرشار از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد شعر همیشه حامل پیام‌های اخلاقی و معنوی بوده است. بزرگان ادب فارسی مانند سنایی، عطار، مولوی و شبستری، از قالب شعر برای آموزش عرفان و اخلاق بهره برده‌اند. آثار آنان، از حدیقه‌الحقیقه و منطق‌الطیر گرفته تا مثنوی معنوی و گلشن راز، نمونه‌های برجسته‌ای از شعر عرفانی با جنبه‌ی آموزشی هستند. این آثار نشان می‌دهند که شعر عرفانی از دیرباز نقش تربیتی داشته و می‌تواند امروزه نیز در مدارس چنین نقشی ایفا کند.



زهره رحیمی کورکور

آموزش ابتدایی

ورودی ۱۴۰۱



بررسی جایگاه زن در ادبیات فارسی

مقدمه

ادبیات فارسی بیش از هزار سال است که آینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ، اندیشه و مناسبات قدرت در جامعه‌ی ایرانی بوده است. در این آینه، زن هیچ‌گاه غایب نبوده، اما چهره‌اش مدام تغییر کرده است: از الهه‌ی باروری در اسطوره‌های پیش از اسلام تا جنگجوی شجاع در حماسه، از معشوق آرمانی در غزل تا تجلی جمال الهی در عرفان، و سرانجام از سوژه‌ای معترض و اندیشمند در ادبیات معاصر. بررسی جایگاه زن در این ادبیات، صرفاً مطالعه‌ی شخصیت‌های زن نیست؛ بلکه ردیابی تحول گفتمان جنسیت، قدرت و هویت در تاریخ فرهنگ ماست. این نوشتار کوتاه با مرور سریع این سیر هزارساله می‌کوشد نشان دهد که چگونه زن از «نماد» به «فرد» از «ابژه» به «فاعل»، و از حاشیه به متن ادبیات و جامعه رسیده است.

زن در ادبیات فارسی

در **شاهنامه** فردوسی، برخلاف تصور رایج، زن منفعل نیست. رودابه با شجاعت و انتخاب آگاهانه، زال را برمی‌گزیند و تولد رستم را ممکن می‌سازد؛ تهمینه مادر سهراب و حافظ نسل پهلوانی است؛ فرنگیس با تدبیر خود سیاوش را نجات می‌دهد و حتی به افراسیاب مشورت سیاسی می‌دهد؛ گردآفرید به‌عنوان جنگجوی زن با سهراب می‌جنگد و منیژه برای عشق به بیژن از کاخ پدر می‌گریزد. این زنان در لحظات سرنوشت‌ساز نقش تعیین‌کننده دارند، اما پس از ایفای نقش، روایت دوباره به جهان مردانه بازمی‌گردد و زن به حاشیه رانده می‌شود. ساختار حماسه همچنان مردسالار است، ولی حضور کیفی زنان بسیار برجسته و الهام‌بخش است.

در ادبیات غنایی، چهره‌ی زن دگرگون می‌شود و به معشوق آرمانی تبدیل می‌گردد. نظامی گنجوی در

خسرو و شیرین، شیرین را زنی سوارکار، شکارچی، سیاستمدار و تصمیم‌گیر نشان می‌دهد که حتی پس از مرگ خسرو، خود تاج بر سر می‌گذارد؛ تصویری بسیار موقی در قرن ششم هجری. اما در غزل کلاسیک سعدی، حافظ و مولوی، زن بیشتر مجموعه‌ای از استعاره‌هاست: گیسو، رخ، لب، قد، ناز و خرامان. معشوق گاهی زمینی و گاهی فراجنسیتی و عرفانی است، ولی به‌ندرت به تجربه‌ی زیسته و رنج واقعی یک زن پرداخته می‌شود.

در ادبیات عرفانی، زن دو وجه دارد: نخست به‌عنوان استعاره و تجلی جمال الهی (مولوی: «زن تجلی حق است») و دوم به‌عنوان سوژه‌ی عارف واقعی. رابعه عدویه، نخستین زن صوفی بزرگ، با عشق خالصانه و بی‌واسطه به خدا، راه را برای زنان دیگر در تصوف گشود. عطار در **تذکرةالاولیاء** او را الگویی برای مردان و زنان قرار می‌دهد.



با آغاز عصر مشروطه، زن ناگهان از حاشیه به متن اجتماعی پرتاب می‌شود. مراغه‌ای، طالبوف، ایرج میرزا و ملک‌الشعراى بهار برای اولین بار از آموزش دختران و حقوق زنان سخن می‌گویند. اما تحول اصلی با ورود زنان نویسنده رخ می‌دهد: فروغ فرخزاد برای نخستین بار زن را از درون تجربه‌ی زنانه روایت می‌کند: مادری، اعتراض و جستجوی هویت. سیمین دانشور در **سووشون**، زری را زنی روشنفکر، مقاوم و فاعل تاریخی می‌سازد که از همسرش پیشی می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

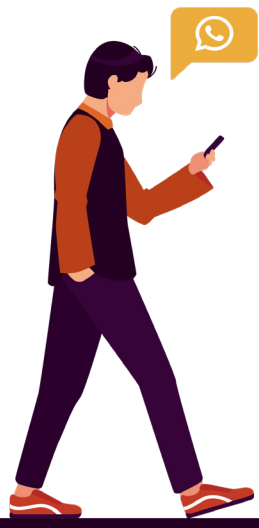
ادبیات فارسی در هزار سال اخیر چهار چهره‌ی اصلی از زن نشان داده است:

۱. حماسی: خردمند اما حاشیه‌ای
 ۲. غنایی: آرمانی و زیبایی‌شناختی
 ۳. عرفانی: تجلی حقیقت یا عارف واقعی
 ۴. معاصر: واقعی، معترض و کنش‌گر
- این سیر از «نماد» به «فرد» و از «ابژه» به «فاعل» نشان می‌دهد که هرگاه جامعه قدمی به سوی عدالت و مدرنیته برداشته، ادبیات پیشتاز بوده و هرگاه جامعه عقب مانده، زن را در قالب‌های آرمانی و حاشیه‌ای زندانی کرده است. امروز زنان نویسندگی ایرانی نه تنها در حال جبران قرن‌ها سکوت‌اند، بلکه با قلم خود تاریخ و هویت زن ایرانی را از نو می‌نویسند.

فهرست منابع:

۱. ذوالفقاری، م. (۱۳۹۵). بازنمایی زن در شعر کلاسیک فارسی.
۲. پژوهش‌های ادبی، ۱۳ (۵۱)، ۴۵-۷۲.
۳. اسلامی ندوشن، م. ع. (۱۳۸۵). زن در شاهنامه. تهران: انتشارات یزدان.
۴. دانشور، س. (۱۳۴۸). سووشون. تهران: انتشارات خوارزمی.
۵. فرخزاد، ف. (۱۳۹۷). مجموعه آثار (چاپ ششم). تهران: انتشارات توس.

■ **رابعه بلخی اولین شاعر زبان فارسی، هم دوره بارودکی**



تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ گفتگو

مریم غریبی دربی
آموزش ابتدایی
ورودی ۱۴۰۱



مقدمه

شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین اختراعات ارتباطی دو دهه اخیر، نحوه گفتگوی انسان‌ها را به شکل عمیقی دستخوش تغییر کرده‌است. از یک سو این فضا امکان گفتگوهای گسترده‌تر، دسترسی سریع به اطلاعات و حضور صدای‌های کمتر شنیده‌شده را فراهم می‌کند؛ از سوی دیگر سرعت بالای پاسخ‌ها، قالب‌های کوتاه و الگوریتم‌های سازمان‌دهی محتوا می‌تواند عمق دیالوگ را کاهش دهد و به شکل‌گیری فرمت‌های جدیدی از تعامل تبدیل شود. این مقاله با بررسی تأثیرات مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ گفتگو، از فضای آموزشی و رسانه‌ای تا زیست اجتماعی روزمره نوشته شده است و به دنبال راهبردهایی برای حفظ و ارتقای کیفیت گفتگو در عصر دیجیتال است.

تأثیرات مثبت بر فرهنگ گفتگو

- دسترسی به دیدگاه‌های متنوع: شبکه‌های اجتماعی امکان دسترسی به دیدگاه‌های مختلف از سراسر جهان را فراهم می‌کنند. افراد با زبان‌ها و تجربه‌های گوناگون می‌توانند به گفتگو وارد شوند، در نتیجه مرزهای جغرافیایی کمتر مانع تبادل اندیشه می‌شود.

- پاسخ‌گویی سریع و بازخورد فوری: امکان دریافت بازخورد لحظه‌ای می‌تواند به بهبود فهم متن، اصلاح فرضیات و شفاف‌سازی مفاهیم کمک کند. در برخی موارد، گفتگوهای گروهی و همکاری آنلاین با سرعت بیشتری به نتیجه می‌رسند.

- یادگیری اجتماعی و آموزشی غیررسمی: تعاملات آنلاین فرصتی برای یادگیری همراه با دیگران را فراهم می‌سازد. بحث‌های کوتاه، پرسش و پاسخ

عمومی و مشارکت در پروژه‌های مشترک می‌تواند به توسعه تفکر نقادانه و مهارت‌های استدلال کمک کند.

تأثیرات منفی و چالش‌ها

- شتابزدگی و فرامتن‌زدایی: قالب‌های کوتاه و فرصت‌های پاسخ سریع می‌تواند منجر به خام‌نگری، کینه‌تراشی یا پاسخ‌های سطحی شود. عمق فهم متن و مذاکرات تحلیلی ممکن است کاهش یابد.

- قطبی‌سازی و حصر گفتگو در اکوسیستم‌های فکری: سیستم‌های پیشنهاد محتوا و فیلترهای گزینشی رسانه‌های اجتماعی می‌توانند کاربران را به سمت مصرف محتوای همسو با باورهایشان سوق

دهند و از گفتگوی سازنده با مخالفان جلوگیری کنند.

- پدید آمدن فضای ناسالم و رفتار مخرب: نبود حریم مشخص و حفظ هویت فردی در برخی موارد، گفتگوی سازنده را به حاشیه رانده و به بی‌اعتمادی منجر می‌شود و توهین، تهدید، رفتارهای هتاکانه و آزار دیجیتال شدت می‌یابد.

- سطحی‌سازی زبان و کاهش اخلاق گفتگو: سرعت پاسخ و کارکردهای تعاملی می‌تواند به زبان کوتاه، کنایه‌آمیز و بی‌حوصله عادت دهد که بافت احترام و دقت در گفتگو را ضعیف می‌کند.

تأثیرات بر فرآیند گفتگو

- نقش الگوریتم‌ها و فضای فکری: الگوریتم‌های





چندرشته‌ای و میان‌فرهنگی، استفاده از مدل‌های گفتگو با رویکرد نقد و پاسخ‌گویی با احترام نیز می‌تواند به فهم عمیق‌تر مسائل پیچیده منجر شود. در نهایت، هر کاربر باید به این نکته توجه کند که گفتگوهای آنلاین، در نهایت بازتابی از رفتار فردی است و پرهیز از حمله به شخصیت، ارزیابی دقیق منابع و پذیرش اشتباه می‌تواند زمینه گفتگوی سالم را تقویت کند.

نتیجه‌گیری

شبکه‌های اجتماعی با امکانات بی‌بدیل خود، فرهنگ گفتگو را به شکلی عمیق متحول کرده‌اند. این تحول، هم فرصت‌هایی برای تعمیق فهم، هم چالش‌هایی از جمله شتاب‌زدگی، قطبی‌سازی و رفتارهای مخرب به همراه دارد. حفظ و ارتقای کیفیت گفتگو در این فضا، نیازمند ترکیبی هوشمندانه از سواد دیجیتال، طراحی پلتفرم‌های مسئولانه و تقویت فرهنگ گفتگوی متقابل است. با آموزش همگانی، استفاده از ابزارهای مناسب و تعهد به گفتگوی اخلاقی، می‌توان از پتانسیل‌های مثبت شبکه‌های اجتماعی بهره برد و سطح تفکر و تفاهم اجتماعی را در جامعه بهبود بخشید.

گفتگوی بی‌پایه بهره‌زنند. هم‌چنین پلتفرم‌ها باید به ایجاد چارچوب‌های اخلاقی و قوانینی برای حفظ احترام، جلوگیری از آزار و تضمین صحت اطلاعات کمک کنند. نقش نهادهای آموزشی و پژوهشی در تدوین معیارهای اخلاقی و فنی نیز اهمیت دارد. با توجه به تأثیر عمیق شبکه‌های اجتماعی بر شیوه گزارشگری و گفتگوهای سیاسی، پلتفرم‌ها می‌توانند با طراحی‌های مناسب، تقاضای گفتگوهای سازنده را تقویت و از تفرقه جلوگیری کنند.

راهکارها و راهبردهای بهبود فرهنگ گفتگو

آموزش تشخیص منابع معتبر، ارزیابی صحت اخبار، شناخت فریب‌های رسانه‌ای و درک تفاوت‌های فرهنگی در گفتگوهای آنلاین باید جزء آموزش‌های پایه شود تا به تقویت سواد دیجیتال کمک کند. پلتفرم‌ها نیز می‌توانند با افزودن تأخیرهای فنی در ارسال پیام‌های داغ، امکان بازبینی و تصحیح را فراهم کنند. نمایش پرامپت‌هایی که از کاربر می‌خواهند با منابع معتبر صحبت کند یا پرسش‌های باز مطرح نماید، می‌تواند به عمق گفتگو کمک کند. وجود محیط‌های گفتگو با دستورالعمل‌های رفتاری، سیستم‌های مدیریت تعارض و تشویق به گفتگوی با احترام و مدل‌سازی رفتار مسئولانه می‌تواند به توسعه فرهنگ گفتگو کمک کند. ترویج بحث‌های

پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی بر مبنای تعاملات گذشته، محتوای مشابه و رفتار کاربران، محتوای پیشنهادی را شکل می‌دهند. این مسئله می‌تواند در عین افزایش دسترسی به دیدگاه‌های مشابه، به تقویت حلقه‌های کوچک هم‌فکر و کاهش مواجهه با نظرات مخالف منجر شود.

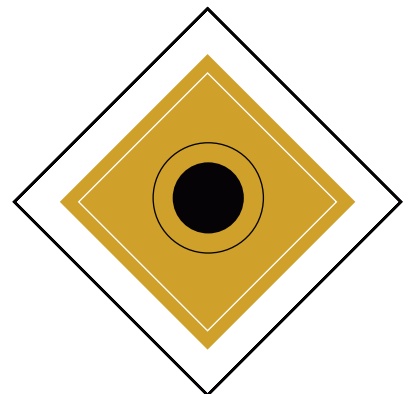
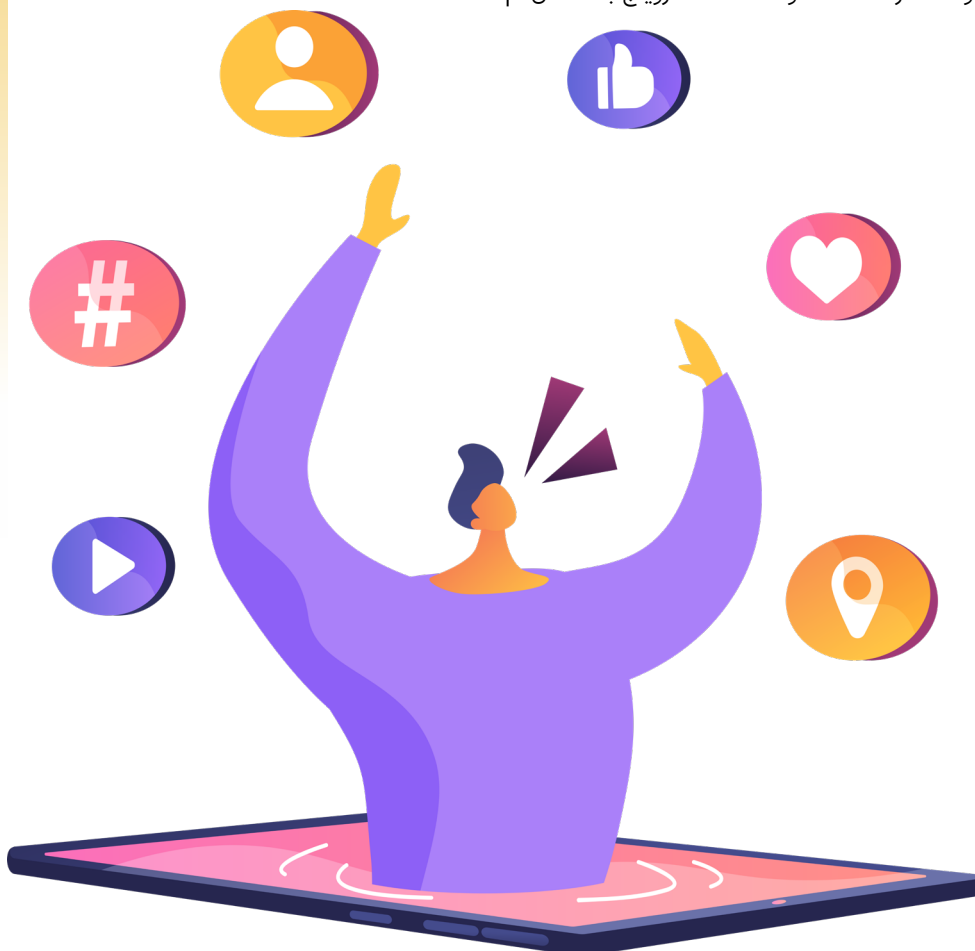
- زبان، لحن و فرمت‌های گفتگو: محیط‌های دیجیتال غالباً به سمت زبان کوتاه، استفاده از ایموجی‌ها و فرمت‌های تصویری برای بیان معانی می‌رود. این تغییر می‌تواند به کاهش پیچیدگی و عمق بیان کمک کند یا برعکس.

- فرصت‌های گفتگو میان فرهنگ‌ها: از نظر فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی امکان گفتگوی میان افراد با پیشینه‌های گوناگون را فراهم می‌کند و می‌تواند به فهم بهتر تفاوت‌های فرهنگی و تقویت هم‌گرایی اجتماعی منجر شود. با این حال نیازمند مدیریت گفتگو و توجه به زمینه‌های فرهنگی و زبان‌شناختی است تا احتمال سوءتفاهم به حداقل رسد.

- فرایند آموزش و حرکت به سمت سواد دیجیتال: برای بهره‌گیری بهینه از این فضا، افراد به سواد دیجیتال نیاز دارند که می‌توان به تشخیص منابع معتبر، ارزیابی صحت اطلاعات، تمییز استدلال از احساس و آگاهی از وجود قواعد گفتگو در فضای آنلاین اشاره کرد.

پیامدهای آموزشی و حقوقی

با گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، آموزش سواد رسانه‌ای و تفکر نقادانه در مدارس و مجامع بین‌المللی ضروری‌تر از همیشه است تا افراد بتوانند محتوای گوناگون را تحلیل کنند و از





روایت جهان بالمس، صدا و عشق؛

به احترام روز عسای سفید

حدیث مولایی

آموزش ابتدایی

ورودی ۱۴۰۲



زمانی که معیار توانمندی، صرفاً دیدن با چشم تعریف شود، گنجینه‌ای از استعدادها و قابلیت‌ها نادیده گرفته می‌شود. رویکردهای نوین توان‌بخشی بر این اصل استوارند که ناتوانی، محصول طراحی محیطی و فرهنگی نامناسب است، نه ویژگی ذاتی فرد. اگر جامعه بیاموزد که با ایجاد فضاهای شهری در دسترس، آموزش‌های چندحسی و ترویج فرهنگ تعامل برابر تنوع حسی را به رسمیت بشناسد، آن‌گاه نه تنها افراد نابینا، بلکه همه انسان‌ها از ادراکی غنی‌تر و انسانی‌تر بهره‌مند خواهند شد.

آنان که با قلب می‌بینند، به ما یادآوری می‌کنند که انسان بودن فراتر از یک حس فیزیکی است. آنان می‌آموزند که وقتی یکی از درهای ادراک بسته می‌شود، درهایی دیگر گشوده می‌گردند؛ درهایی که گاه به باغ‌هایی سرسبزتر و آسمان‌هایی وسیع‌تر می‌رسند. چشم ممکن است خاموش شود، اما نور درون هرگز. جهان برای دیده شدن همیشه به چشمان بی‌نیاز ندارد؛ گاه کافی است چشمانت را ببندی و قلبت را بگشایی، و شاید آن لحظه باشد که جهان، برای نخستین بار، حقیقتاً دیده می‌شود.

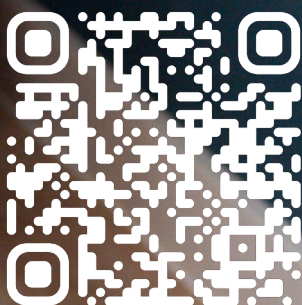
ورودی بینایی قطع می‌شود، مناطق بصری مغز به پردازش اطلاعات لمسی، شنیداری و فضایی می‌پردازد که به این پدیده انعطاف‌پذیری عصبی می‌گویند. در این فرآیند، فرد می‌آموزد چگونه از پژواک صدا برای تشخیص فاصله و بافت سطوح بهره‌گیرد، چگونه با نوک انگشتانش نمادهای بریل را بخواند و چگونه حس موقعیت‌یابی بدن خود را برای ساختن نقشه‌ای ذهنی از فضا به کار گیرد. بنابراین، نابینایی پایان نگاه کردن نیست بلکه آغاز شکلی دیگر از دیدن است.

مطالعات شناختی نشان می‌دهد افراد نابینا اغلب از حافظه فضایی، تخیل و توانایی تجسم قوی‌تری برخوردارند. جهان برای آنان مجموعه‌ای از داده‌های چندحسی است که ذهن، آن‌ها را با مهارتی هنرمندانه به تجربه‌ای منسجم تبدیل می‌کند. این همان دیدن ذهنی است؛ دیدنی که گاه از دیدن چشمی دقیق‌تر و پرجزئیات‌تر است، زیرا با معنا و احساس درآمیخته است.

مهم‌ترین مانع پیش روی افراد نابینا، نگاه ترحم‌آمیز، محدودکننده و تک‌حسی جامعه است.

جهان را چه کسی می‌بیند؟ آن‌که با چشمانش نور را می‌رباید، یا آن‌که با قلبش معنا را می‌آفریند؟ گاه نابینایی نه محرومیت، که گذرگاهی است به سوی گونه‌ای ژرف‌تر از ادراک؛ گونه‌ای که در آن فضا با پژواک صداها نقش می‌بندد، اشیا با نوازش انگشتان خوانده می‌شوند و واقعیت نه در ظواهر، که در ژرفای لمس و شنیدن آشکار می‌گردد. این روایت، خیال‌پردازی نیست؛ حقیقتی است که زندگی بسیاری از انسان‌ها را شکل می‌دهد. گاهی جهان را نه با چشم، که با قلب باید دید. نوری که در درون انسان می‌تابد، روشن‌تر از هر خورشید بیرونی است. در سکوتی که چشم از دیدن بازمی‌ماند، دل به شنیدن و لمس کردن و درک کردن می‌پردازد؛ و آنگاه حقیقت زندگی با رنگی دیگر آشکار می‌شود؛ رنگی که چشم قادر به دیدنش نیست، اما روح آن را بازمی‌شناسد.

نابینایی به معنای فقدان ادراک فضایی یا ناتوانی در تعامل با جهان نیست. پژوهش‌های حوزه توان‌بخشی و آموزش حسی-حرکتی نشان می‌دهد که مغز انسان توانایی شگرفی دارد. هنگامی که





چرخه پژوهش: از ایده تا اجرا

فاطمه شاهی

آموزش هنر

ورودی ۱۴۰۴



۱. طرح مسئله و تبیین ایده

- * شناسایی مسئله یا نیاز علمی
- * مرور کوتاه منابع اولیه
- * تعریف دقیق سؤال یا مسئله پژوهش

۲. طراحی و برنامه ریزی پژوهش

- * تعیین اهداف، متغیرها و فرضیه‌ها
- * انتخاب روش‌شناسی مناسب
- * تعیین جامعه، نمونه و ابزار گردآوری داده‌ها

۳. گردآوری داده‌ها

- * اجرای روش‌های انتخاب‌شده (مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه، آزمایش)
- * رعایت اصول اخلاق پژوهش
- * ثبت دقیق و منظم داده‌ها

۴. تحلیل آماری و تحلیل تفسیری

- * پالایش و دسته‌بندی اطلاعات
- * اجرای تحلیل آماری یا تحلیلی
- * استخراج یافته‌های معتبر و قابل استناد

۵. ارائه نتایج و کاربرد عملی

- * تدوین گزارش، مقاله یا ارائه رسمی
- * نتیجه‌گیری بر اساس داده‌های واقعی
- * تبدیل یافته‌ها به راهکار، مدل یا اقدام اجرایی

۶. بازخورد، ارزیابی و اصلاح

- * دریافت نقد متخصصان و مخاطبان
- * ارزیابی میزان کارآمدی نتایج در عمل
- * اصلاح، توسعه یا آغاز چرخه جدید پژوهش

نقش دانشجوی در جنبش‌های اجتماعی؛

دانشجو، راوی اقتدار ملت

مریم صابرزاده
آموزش زبان و ادبیات فارسی
ورودی ۱۴۰۳



هم‌عرض و هم‌پیوند با سایر پویش‌های اجتماعی است، اما یک تفاوت بنیادین دارد. دانشجو بودن، هم یک هویت مستقل است و هم یک هویت فراگیر. از یک‌سو، دانشجو مطالبات خاص دانشگاهی همچون استقلال دانشجویی، آزادی‌های علمی، کیفیت آموزش، عدالت آموزشی و شأن و امنیت نهاد علم را پیگیری می‌کند که این مطالبات، مستقیماً با زیست دانشگاهی و آینده علمی کشور گره خورده‌اند.

از سوی دیگر، دانشجو می‌تواند مرجع اخلاقی-فکری جامعه‌ی جوان باشد و نقشی فراتر از حمایت صرف ایفا کند؛ نقشی که ترکیبی از آگاهی، تحلیل و روشنگری است. در این جایگاه، دانشجو نه سخنگوی قدرت است و نه دنباله‌رو هیجان‌های زودگذر؛ بلکه کنشگری است که می‌کوشد میان دانش، اخلاق و مسئولیت اجتماعی پیوند برقرار کند.

یکی از نخستین و بنیادی‌ترین وظایف جنبش دانشجویی، صیانت از استقلال دانشگاه است. چرا که

کم‌هزینه و اجتماعی جامعه، نقش واسطه‌ای برای بیان مطالبات را ایفا می‌کند.

او می‌تواند صدا باشد، زبان باشد و آینه‌ای برای بازتاب درخواست‌های جامعه؛ اما باید توجه داشت که جنبش دانشجویی رهبر جنبش‌های اجتماعی نیست. پایین بودن سن، ناپایداری دوره دانشجویی و نبود تشکیلات عمیق و پایدار، نقش رهبری کلاسیک را برای دانشجو تعریف‌ناپذیر می‌سازد.

باین‌حال، این محدودیت به‌معنای حاشیه‌نشینی یا بی‌اثری نیست. جنبش دانشجویی می‌تواند عامل پیشران، روشنگر و اثرگذار بر متن هر جنبش اجتماعی باشد. این اثرگذاری، نه از مسیر تصاحب قدرت یا ورود به ساختار سیاسی، بلکه از راه جهت‌دهی فرهنگی، اخلاقی و گفت‌وگویی رخ می‌دهد. دانشجو با طرح پرسش، با نقد، با تحلیل و با یادآوری افق‌های بلند، می‌تواند مسیر حرکت اجتماعی را شفاف‌تر و مسئولانه‌تر سازد.

جنبش دانشجویی، در نسبت با دیگر جنبش‌ها،

دانشگاه در تاریخ اجتماعی و فکری ایران، صرفاً نهادی برای آموزش رسمی نبوده؛ بلکه همواره به‌مثابه‌ی قلب تپنده‌ی آگاهی، بیداری و نقد عمل کرده است. این نهاد، فراتر از کلاس درس و مدرک دانشگاهی، محملی برای پرورش ذهن انتقادی، شکل‌گیری گفت‌وگوی اجتماعی و تربیت نسلی بوده که نسبت به سرنوشت جامعه خود بی‌تفاوت نمانده است.

در بزنگاه‌های مهم تاریخی، آن‌گاه که فضای عمومی جامعه گران‌بار، پرهزینه یا حتی خاموش شده، این دانشگاه و به‌خصوص دانشجو بوده که بار بیان، بازخوانی و بازنمایی مطالبات مردم را بر دوش کشیده است. دانشجویان، بی‌نیاز از پشتوانه‌ی قدرت، ریشه‌دار در آگاهی و پیوندخورده با بدنه‌ی مردم عمل کرده‌اند. کنش دانشجویی، نه برخاسته از موقعیت رسمی، بلکه متکی بر مسئولیت اخلاقی و حساسیت اجتماعی بوده است.

امروز نیز جنبش‌های دانشجویی، در کنار نقش تاریخی خود در عرصه‌های اجتماعی، نقشی تازه و استوار بر دوش دارند؛ نقشی که فراتر از اعتراض و واکنش، به روایت‌گری معنا و امید گره خورده است. در این افق است که می‌توان گفت:

دانشجو، راوی اقتدار ملت است؛

اقتداری که نه در سازوبرگ سیاسی، بلکه در علم، فرهنگ، اخلاق، نقد عالمانه و مسئولانه معنا می‌یابد و ریشه در سرمایه انسانی جامعه دارد.

در میدان جنبش‌های اجتماعی، دانشجو همواره در نقطه‌ای میان امکان و محدودیت ایستاده است. در دوره‌هایی که احزاب، رسانه‌ها و انجمن‌های مستقل کارایی و میدان عمل خود را از دست می‌دهند، دانشجو به‌عنوان یگانه قشر جوان، باسواد،





دانشجو، راوی اقتدار ملت است.

اقتدار، تنها حاصل سیاست نیست؛ اقتدار، ثمره‌ی علم، اخلاق، فرهنگ، تحلیل، امید و تربیت است. دانشجو در کلاس درس، در انجمن‌ها، در پژوهش، در کنش‌های فرهنگی و در نقد مسئولانه، روایت‌گر این اقتدار است؛ اقتداری آرام، بی‌ادعا و ریشه‌دار که از دل جامعه برمی‌خیزد و آینده را می‌سازد.

نقد و مطالبه‌گری، روح دانشگاه و جوهره زیست دانشجویی است؛ اما نقدی که شریف، مسئولانه، متکی بر دانش و دور از غوغا و جبهه‌گیری‌های سیاسی باشد. دانشجو باید چشم بینا باشد، نه صدای جنجال؛ روشن‌نگر باشد، نه مهاجم؛ اصلاح‌گر باشد، نه برهم‌زننده نظم؛ تحلیل‌گر باشد، نه

بدون استقلال، علم به ابزار بدل می‌شود، دانشگاه از مسیر رشد بازمی‌ماند، نهادهای مدنی تضعیف می‌شوند و جامعه از امکان اصلاح محروم می‌گردد. دانشگاه وابسته، پیش از آنکه تولیدکننده اندیشه باشد، مصرف‌کننده اراده دیگران خواهد شد.

دانشجو باید در پیوندی آگاهانه با استاد و در اتکای به هویت علمی دانشگاه، برای استقلال دانشگاه تلاش کند؛ نه با تقابل‌های سیاسی و هیجانی، بلکه با منطق علمی، گفت‌وگوی آکادمیک و کنش مسئولانه. دانشگاهی که مستقل باشد، اقتدار علمی تولید می‌کند، نهادهای مدنی را تقویت می‌نماید و در نهایت به اقتدار فرهنگی کشور می‌افزاید. اینجاست که این مضمون معنای ویژه می‌یابد:

تفسیرکننده احساسی وقایع. او باید کاستی‌ها را ببیند و بیان کند، اما با زبان اخلاق، دلسوزی و پژوهش. این نگاه متعادل و غیرسیاسی است که دانشگاه را از افتادن در دام افراط و ابتذال نجات می‌دهد.

در نهایت، دانشجو حافظ فرهنگ، حامل علم و راوی اقتدار است. او حامل شرافت و آگاهی، حافظ فرهنگ و هویت ایرانی، خاستگاه نقد مسئولانه و چشم بیدار جامعه‌ی جوان است؛ راوی اقتدار ملتی است که آینده خود را بر ستون علم و اخلاق بنا می‌کنند. اقتدار، در نگاه دانشجویی، نه فریاد است و نه هیاهو؛ بلکه فروغی آرام و ماندگار است که از تربیت، علم، استقلال و نقد عالمانه می‌تراود.





معصومه رشید جلودار

آموزش ابتدایی

ورودی ۱۴۰۳



استقبال از مسافر بی نام

تأمل در مفهوم شهادت و نقش آن در شکل‌گیری هویت ملی از محورهای برجسته این اجتماع دانشگاهی بود.

گفت‌وگوهای میان دانشجویان و اساتید نشان می‌داد که برگزاری چنین آیین‌هایی فرصتی برای بازاندیشی در مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و تجدید عهد با ارزش‌های مشترک و تقویت روحیه مقاومت و پایداری است.

این مراسم در فضایی آرام و آکنده از احترام پایان یافت؛ اما یاد و نام آن شهید گمنام همچنان در دل‌ها ماندگار خواهد بود و این روز برای مرکز خدیجه کبری(س) نیز به عنوان روز تجدید میثاق با آرمان‌ها در ثبت خواهد شد.

یکدلانه، احترام خود را به مقام والای شهید ابراز کردند. مدیر مرکز، اعضای هیئت علمی، کارکنان و سایر دانشجویان نیز با صف‌آرایی منظم، شکوه این استقبال را دوچندان ساختند؛ حضوری که نشان‌دهنده پیوند عمیق این مجموعه آموزشی با ارزش‌های دیرپای ایثار و شهادت داشت.

در ادامه، مرثیه‌خوانی و قرائت اشعار آیینی فضایی آمیخته با حزن، افتخار و معنویت پدید آورد. نوای مرثیه، یادآور عظمت جایگاه شهیدان و جانفشانی‌هایی بود که امنیت امروز ما را رقم زده‌است. این آواها، بیش از آن‌که سخن باشند، پژواکی از عهد و آرمان‌هایی هستند که در دل نسل‌ها استمرار یافته و امروز نیز در ذهن و جان دانشجویان جاری است.

در نخستین روز آذرماه، مرکز خدیجه کبری(س) دزفول میزبان مراسمی بود که عطر حماسه، معنویت و خاطره‌های پرافتخار این سرزمین را در فضای خود طنین‌انداز کرد؛ مراسم استقبال از پیکر مطهر شهیدی گمنام که همچون نسیمی از روزهای مقاومت و رشادت، روحی تازه در محیط مرکز دمید و حال‌وهوایی سراسر احترام بر آن حاکم ساخت. این مراسم ساده اما پرمعنا، یادآور روزهایی بود که فرزندان غیور این مرز و بوم برای پاسداری از امنیت و عزت کشور جان خویش را نثار کردند.

آیین با ورود پیکر شهید گمنام به محوطه خوابگاه مرکز آغاز شد. گروهی از دانشجویان با قلب‌هایی سرشار از ارادت و باور، در صفوفی منظم به استقبال این یادگار جاودان ایثار رفتند و با حضوری

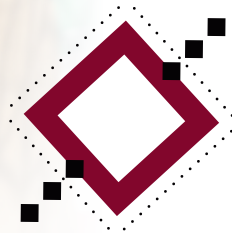


بسیج؛ از تشکل دانشجویی تا مکتب تربیت ساز

فاطمه کوچک زاده

آموزش ابتدایی

ورودی ۱۴۰۱



مصاحبه

به مناسبت گرامیداشت روز بسیج با فرمانده بسیج دانشجویی مرکز حضرت خدیجه کبری (س)، سرکار خانم پریا جمشیدیان در رابطه با این روز و فعالیت‌های پایگاه این مرکز گفت‌وگویی انجام دادیم.

روز بسیج برای شما چه مفهومی دارد و این روز چه پیام ویژه‌ای برای جامعه دانشگاهی باید داشته باشد؟

روز بسیج را به همه دانشجویان دغدغه‌مند، بسیجیان عزیز و کسانی که دلشان برای پیشرفت کشور می‌تپد تبریک می‌گویم. امیدوارم با روحیه جهادی، تلاش صمیمانه و همدلی، بتوانیم با هم آینده‌ای روشن بسازیم. روز بسیج برای بنده، روز تجدید پیمان با آرمان‌های امام راحل و شهدا است. درخواست تاریخی امام برای تشکیل ارتش بیست‌میلیونی، نماد اعتماد کامل به مردم و دوراندیشی ژرف ایشان بود. این اعتماد، در دفاع مقدس معجزه آفرید و امروز هم پیامش این است که هر جوان ایرانی، سرباز انقلاب در عرصه خودش می‌باشد. پیام این روز برای جامعه دانشگاهی این است که همانطور که بسیج در سخت‌ترین شرایط ناجی کشور شد، تفکر بسیجی یعنی عقلانیت، جهاد، ایثار و اخلاص نیز امروز می‌تواند در عرصه‌های علمی، فرهنگی و آموزشی معجزه کند و ما دانشگاهیان باید ناجیان نامی کشور در میدان علم و تربیت باشیم.

نقش بسیج دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان را چگونه تعریف می‌کنید؟

دانشگاه فرهنگیان، طبق همان تعبیر رهبری که فرمودند معلم معمار آینده کشور است، کارخانه تولید معماران آینده‌ساز کشور می‌باشد. اهمیت هر دانشجو معلم، به اندازه تأثیری است که در طول خدمتشان بر ده‌ها کلاس و صدها دانش‌آموز می‌گذارند. بنابراین، نقش بسیج در این دانشگاه، خطیرتر و حساس‌تر است. مأموریت اصلی ما کمک به تربیت معلمان تراز انقلاب اسلامی است؛ معلمانی که هم ولایی، هم وطن‌پرست، هم ماهر و هم الهام‌بخش برای نسل آینده باشند. بسیج اینجا فقط یک تشکل دانشجویی نیست؛ یک بازوی تربیتی است.

به نظر شما نسل امروز دانشجو چه نیازها و انتظاراتی از بسیج دارد؟

نسل امروز از بسیج انتظار دارد که اولاً، صدای واقعی و دغدغه‌مند او باشد و در مسیر احقاق حق و مطالبه‌گری از مسئولان (از دانشگاه تا سطح کشور) صادقانه بایستد. ثانیاً، برنامه‌هایی متناسب با نیازهای روز، خلاقانه و غیرکلیشه‌ای ارائه دهد. نسل جدید حوصله شعار و فرمالیسم را ندارد؛ عمل مؤثر و زبان گویا می‌خواهد.

مهم‌ترین برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که بسیج دانشگاه انجام داده است را برای ما بیان می‌کنید؟

از مهم‌ترین فعالیت‌های بسیج می‌توان به میزبانی آیین باشکوه و خاطره‌انگیز تشییع نمادین شهید

گمنام و همکاری مؤثر با دانشگاه در برپایی موبک اربعین در مرز چذابه اشاره کرد که تجربه‌ای عملی از خدمت‌رسانی و معنویت بود. همچنین، پیگیری و اتمام پروژه ساخت دفتر بسیج دانشجویی مرکز که به همت جناب سرگرد قاسمی (مسئول بسیج دانشجویی شهرستان دزفول) انجام شد و فضایی اختصاصی برای فعالیت‌های دانشجویی ایجاد کرد، از دیگر فعالیت‌های مهم بسیج دانشجویی بود.

کدام یک از فعالیت‌ها بیشترین بازخورد مثبت را از سوی دانشجویان داشته است؟

بدون شک در برگزاری مراسم تشییع نمادین پیکر مطهر شهید گمنام، با وجود مشکلات فراوان و وقت بسیار بسیار محدود (تنها چند ساعت)، شاهد معجزه همدلی بودیم. وقتی وارد نمازخانه شدم، صحنه‌ای بی‌نظیر دیدم: قریب به ۵۰ دانشجو از طیف‌های مختلف، داوطلبانه و بدون هیچ چشم‌داشتی مشغول کار بودند؛ از فضا سازی و نصب کتیبه تا تمرین گارد تشریفات. این همبستگی خودجوش و عشق به شهید، نشان داد که اگر کار، اصیل و باب دل دانشجو باشد، او با تمام وجود می‌آید.

دانشگاه فرهنگیان چه تفاوتی در فعالیت‌های بسیج ایجاد کرده است؟

هر برنامه ما دو هدف دارد: اول تربیت خود دانشجو و دوم آماده کردن او برای اجرای ایده‌های مشابه در کلاس درس آینده. مثلاً یک کارگاه قصه‌گویی تربیتی فقط برای خودشان نیست، بلکه می‌آموزند چگونه

از آن در آموزش به کودکان استفاده کنند؛ یعنی ما به دنبال تولید و انتشار مربیان فرهنگ‌ساز هستیم. برای جذب دانشجویان جدیدالورود چه برنامه‌ای دارید؟

برگزاری استقبال گرم و صمیمانه در هفته اول، نشست صمیمانه با دانشجویان خوابگاهی در اتاق خودشان، تقدیم بسته‌های معرفی حاوی برنامه‌های کاربردی، برگزاری اردوهای تفریحی-فرهنگی برای آشنایی بیش‌تر دانشجویان با هم و ایجاد راه ارتباطی مستقیم با بنده از طریق کانال بسیج دانشگاه و پاسخگویی به سوالات آن‌ها از برنامه‌های انجام شده‌است.

برای ایجاد تصویر واقعی و جذاب از بسیج چه برنامه‌ای انجام دادید؟

تصویر واقعی، با عمل ساخته می‌شود. ما سعی کرده‌ایم با افزایش شفافیت در عملکرد، ایجاد رسانه‌ای قوی و جذاب (صفحات مجازی با محتوای حرفه‌ای، گزارش تصویری از فعالیت‌ها) و روی آوردن به کارهای دست‌جمعی اثرگذار (مثل جهاد علمی

برای کنکور ارشد، کلاس‌های ورزشی در چندین سانس) به جای سخنرانی حضوری تاثیرگذار در میان دانشجویان داشته‌باشیم.

نقش فضای مجازی چقدر مؤثر بوده و چه کرده‌اید؟ فضای مجازی، میدان اصلی امروز است. افزایش فعالیت کانال‌های اطلاع‌رسانی، تولید محتوای آگاهی‌بخش، آموزشی، تربیتی و انگیزشی (اینفوگرافیک، کلیپ کوتاه، پادکست)، بهره‌گیری از نظرسنجی و تعامل دوطرفه با دانشجویان و پاسخگویی به شبهات به صورت مستدل و محترمانه در این فضا از اقدامات انجام‌شده در این رابطه است.

مهم‌ترین چالش بسیج دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان چیست؟

مهم‌ترین چالش، ایجاد هماهنگی میان دو هویت معلمی و بسیجی است. هم‌چنین به دلیل ساختار متمرکز و اداری خاص دانشگاه فرهنگیان و محدودیت اختیارات در سطح مراکز، بسیاری از اقدامات نیازمند تأییدیه‌های استانی می‌باشد. این فرآیند، علیرغم همراهی خوب مدیریت مرکز، گاهی سبب کندی

سرعت و محدود شدن خلاقیت می‌شود. چالش دیگر، احتیاط و حتی ترس برخی دانشجویان از بیان نظرات خود، به ویژه در گفتگوهای سیاسی است که ریشه در نگرانی از فرآیندهای گزینش و حراست دارد و این مساله فضای گفتگوی کاملاً آزاد و پویا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سطح همکاری بسیج با سایر تشکلهای و نهادهای دانشگاهی چگونه است؟

رویکرد ما تعامل سازنده و مبتنی بر هدف‌های مشترک است. با دیگر تشکلهای واحد فرهنگی دانشگاه در برگزاری برنامه‌های فرهنگی و سیاسی همکاری بسیار نزدیکی داریم. با مدیریت و معاونت‌های دانشگاه در زمینه‌های خدمات‌رسانی، مناسبت‌ها و مشکلات دانشجویان تعامل خیلی خوبی داریم و اصل بر رقابت مثبت و همکاری در جهت رفع امور است.

آینده بسیج دانشجویی را در دانشگاه فرهنگیان چگونه می‌بینید؟

بسیج باید از یک تشکل فعالیت‌محور به یک مکتب تربیتی-اندیشه‌ساز ارتقا یابد؛ یعنی مرکزی





واحد به صورت منسجم اردوهای جهادی، آموزشی و عمرانی در مناطق محروم را برنامه‌ریزی می‌کند و از دانش و تمام ظرفیت‌ها برای خدمت‌رسانی بهینه استفاده خواهد کرد. این کار هم وجهه دانشگاه را در سطح کشور درخشان‌تر می‌کند و هم مهارت‌های عملی دانشجویان را افزایش می‌دهد. این اعتماد، بهترین مشوق برای نسل جوان است.

سخن پایانی شما برای دانشجویان چیست؟

درپایان، مجدداً روز بسیج را به همه عزیزان تبریک می‌گویم. بسیج، خانه تمام دانشجویانی است که دل‌مشغولی‌شان رشد، خدمت و ساختن آینده‌ای بهتر برای کشور است، اگر می‌خواهید تجربه‌ای از کار گروهی، اثرگذاری فرهنگی، رشد فردی و حضور مسئولانه داشته باشید، کافی است یک‌بار قدم در جمع ما بگذارید و با ما همراه شوید. ما در پایگاه بسیج دانشجویی این مرکز، مشتاق همکاری، شنیدن ایده‌ها و استفاده از توانایی‌های شما هستیم.

فراگیر و ماندگار خواهد بود و ده‌ها سال بعد، در شخصیت و عملکرد هزاران معلم در سراسر کشور خود را نشان خواهد داد.

پیام شما به دانشجویانی که شناخت دقیقی از بسیج ندارند چیست؟

بسیج میدان شماسست. قبل از هر قضاوتی، یک بار با پای خودتان به دفتر بسیج بیاوید، در یک برنامه غیررسمی شرکت کنید، با بچه‌های بسیجی گپ بزنید. ببینید دغدغه‌شان چیست. بسیج یعنی همدلی برای ساختن، هم در دانشگاه، هم در آینده در کلاس درس. این فرصت را از دست ندهید.

چه درخواست یا انتظاری از مسئولان دانشگاه دارید؟

با کمال امتنان باید بگویم که این سطح از همراهی که هم اکنون وجود دارد، بسیار ارزشمند است. انشاءالله این مسیر تداوم و تعمیق یابد؛ درخواست ما ایجاد واحد خدمات جهادی دانشگاه فرهنگیان با مسئولیت بسیج و تحت نظارت دانشگاه است. این

برای پرورش معلمانی که هم مهارت تدریس دارند، هم عمق اندیشه انقلابی و هم خلاقیت برای انتقال مفاهیم. باید به سمت تأثیرگذاری بر بدنه اصلی آموزش و پرورش برویم؛ یعنی دانشجویانی که امروز درکارگاه‌های ما تربیت می‌شوند، سال آینده در مدارس به عنوان معلمان پیشرو و فرهنگ‌ساز شناخته شوند و بتوانند در سطح مدرسه و منطقه تأثیرگذار باشند.

باید نظریه‌پردازی تربیتی را آغاز کنیم. با استفاده از تجربیات عملی در دانشگاه و مدارس، بتوانیم الگوهای بومی و نوین برای تربیت معلم تراز انقلاب ارائه دهیم. دانشگاه فرهنگیان باید در این زمینه پیش‌تاز باشد و بسیج می‌تواند موتور محرک این حرکت باشد. در یک کلام آینده ایده‌آل، بسیجی است که تولیدکننده مربیان فرهنگ باشد نه فقط سازمان‌دهنده برنامه‌های دانشجویی. اگر در این مسیر موفق شویم، تأثیر بسیج دانشگاه فرهنگیان





گزارش کارگاه خلاقیت در تدریس و دوره توانمندسازی معلمان جهادی

مریم صابرزاده

آموزش زبان و ادبیات فارسی

ورودی ۱۴۰۳



گندم گل گندم ای خدا، نونش مال مردم ای خدا
موش و گندم؛ گندم گل گندم ای خدا نونش مال
مردم ای خدا
موش رو کی میخوره؟
موش گربه میخوره
گربه و موش، موش و گندم
گندم گل گندم ای خدا، نونش مال مردم ای خدا

و به همین گونه تا پایان که به انسان می‌رسد.
در پایان کارگاه، استادان تأکید کردند که بسیاری از ابزارهای آموزشی با وسایل ساده و کم‌هزینه قابل ساخت هستند و همین رویکرد، علاوه بر افزایش توجه و مشارکت دانش‌آموزان، می‌تواند در جشنواره‌های آموزشی و برنامه‌هایی مانند تدریس برتر اثرگذار باشد و برای دانشجومعلمان ارزش‌افزوده علمی، حرفه‌ای و حتی مادی ایجاد کند.

و تأکید شد که اشتباه در خوانش می‌تواند کلمات را دچار تناقض معنایی کند؛ به گونه‌ای که «شفا» به معنای مرگ و پرتگاه و «شفا» به معنای سلامتی تعبیر می‌شود.

سپس نمونه‌هایی از ساخت گردونه‌های آموزشی دست‌ساز ارائه شد؛ ابزارهایی که قابلیت استفاده در موضوعات مختلف دارند و دانش‌آموزان را به ساخت نمونه‌های مشابه ترغیب می‌کنند. همچنین پیشنهاد شد برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با تنوع لهجه‌ها و زبان‌های محلی، برای هر دانش‌آموز گردونه‌ای طراحی شود و روی آن اصطلاحات، تشبیه‌ها یا واژگان مرتبط با زبانی محلی همچون دزفولی، کردی یا شمالی درج شود.

آموزش ساخت گلبرگ‌های آموزشی نیز از دیگر بخش‌های این کارگاه بود؛ سازه‌هایی که یک روی آن سؤال و روی دیگر پاسخ قرار می‌گیرد و امکان استفاده در موضوعاتی همچون صفات الهی یا زندگی‌نامه بزرگان دین را فراهم می‌کند.

یکی از بخش‌های مورد توجه دانشجومعلمان، آموزش چرخه طبیعت و زنجیره غذایی با شعر بوده است. این بخش به صورت آهنگین و قابل حفظ ارائه شده و نمونه‌ای از شعر مرتبط با چرخه غذایی حیوانات در کارگاه خوانده شده است. یکی از بخش‌های مورد توجه دانشجومعلمان، آموزش چرخه طبیعت و زنجیره غذایی با استفاده از شعر بود. این بخش به صورت آهنگین و قابل حفظ ارائه شد و نمونه‌ای از شعر مرتبط نیز در کارگاه خوانده شد. این روش، امکان تثبیت مفاهیم دشوار را با زبانی ساده برای دانش‌آموز فراهم می‌کند. در پایان، قسمت کوتاهی از شعر آموزشی که به چرخه طبیعت و زنجیره غذایی اشاره دارد، توسط مدرس مطرح شد. قسمت کوتاهی از این شعر آموزشی که به چرخه طبیعت و زنجیره غذایی اشاره دارد، در ادامه بیان شده است:

گندم گل گندم ای خدا، نونش مال مردم ای خدا
گندم کی میخوره؟
گندم موش میخوره

کارگاه خلاقیت در تدریس و دوره توانمندسازی معلمان جهادی به همت استاد جاهد و استاد بنا در سرای دانشجویی دانشگاه فرهنگیان برگزار شد. این برنامه با هدف آموزش شیوه‌های خلاق، ساده و کم‌هزینه تدریس برای دانشجومعلمان طراحی شده و محتوای آن بر کاربردی‌سازی فرآیند یاددهی - یادگیری تمرکز داشت. در این کارگاه، شرکت‌کنندگان با ابزارهای آموزشی دست‌ساز آشنا شدند؛ ابزارهایی که با کمترین امکانات ساخته شده و توانسته‌اند شوق، انگیزه و فهم عمیق‌تر را به کلاس درس منتقل کنند. آموزش‌دهندگان تأکید دارند که مسیر خلاقیت با چالش‌هایی همچون ترس از اشتباه، گمان به نداشتن خلاقیت، پیروی کورکورانه از قواعد و ناتوانی در تشخیص سوز اصلی از حاشیه همراه است؛ اما دانشجومعلمان در این دوره تشویق شدند که در برابر این موانع ایستادگی کنند و تفکر خلاق را به بخشی از هویت حرفه‌ای خود تبدیل نمایند.

در بخش دیگری از کارگاه، روش‌های نوین تشویق دانش‌آموزان ارائه شد. به جای تشویق‌های معمول، دانشجومعلمان با راهنمایی استاد جاهد، شیوه‌هایی از تشویق در زبان‌های محلی ایران را فرا گرفتند؛ روشی که علاوه بر یادآوری تنوع فرهنگی کشور، به تقویت روحیه دانش‌آموزان نیز کمک می‌کند.

مسئله کلاس‌داری خلاق نیز از محورهای اصلی این دوره بود. در این بخش، نمونه‌های عملی همچون طراحی تابلو حضور و غیاب با بالون‌های دست‌ساز مطرح شد؛ به این صورت که هر دانش‌آموز کارت عکس خود را روی بالون مخصوص به نامش قرار می‌داد و حضور خود را اعلام می‌کرد. نمونه دیگری از تجربه‌های ارائه‌شده، تابلوی تولد ماهانه دانش‌آموزان بود که با کاردستی‌های ساده طراحی شده و فضای کلاس را صمیمی‌تر و انگیزه‌بخش‌تر کرده است.

در ادامه، بخش‌هایی به ظرافت‌های زبانی در آموزش اختصاص یافت. برای نمونه، تفاوت معنایی در واژه‌هایی مانند «شفا» و «شفا» توضیح داده شد





آینه زندگی در مکتب فاطمی

مبینا معینی‌راد
آموزش ابتدایی
ورودی ۱۴۰۲

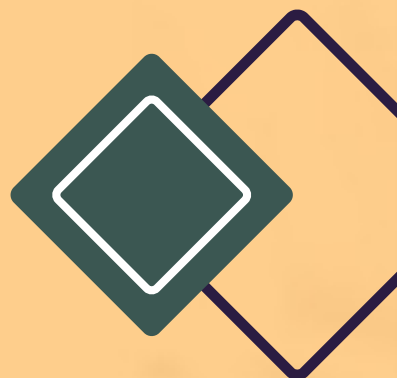


راه بازگشت به آرامش و هویت درونی، از بازنگری در الگوهایی می‌گذرد که حقیقت انسان را به ما یادآوری می‌کنند. دین اسلام برای رسیدن به اهداف آفرینش، الگوهایی جامع و زنده پیش روی ما قرارداده‌است. در این میان، حضرت فاطمه زهرا (س) به‌عنوان کامل‌ترین الگو-چه در مسئله ولایت و چه در حوزه خانواده-چراغی است که مسیر فهم نقش‌ها، مسئولیت‌ها و ارزش‌های اصیل اسلامی را روشن می‌سازد.

خانه ساده و بی‌آلایش حضرت زهرا (س) بستری بود برای تربیت انسان‌هایی که هر یک ستون‌های هدایت و انسانیت شدند. آنچه این خانه را به الگوی جهانی تبدیل کرد، نه ظاهر و امکانات، بلکه روح بزرگ، آرامش، مهر، صبر و همدلی‌ای بود که در آن جاری بود. گاهی ما انسان‌ها چنان در حاشیه‌ها غرق می‌شویم که اصل را فراموش می‌کنیم؛ درحالی‌که سازندگی از درون آغاز می‌شود و بسیاری از گره‌ها با چشم‌پوشی، مدارا و نگاه الهی گشوده می‌شود.

در اسلام، پرورش روح انسان تا رسیدن به مقام قرب الهی و شایستگی خلافت خداوند هدفی بنیادین است. مادر بودن در مکتب فاطمی، یعنی آمیختن عشق با تربیت، بخشیدن عزت همراه با جهت‌دهی اخلاقی و نگاه کردن به کودک نه‌تنها به‌عنوان فرزند، بلکه به‌عنوان امانتی الهی. ثمره چنین تربیتی، انسان‌هایی شد که هم در خانواده و هم در عرصه تاریخ اسلام، راهبر، الهام‌بخش و حافظ ارزش‌های والای انسانی بودند.

بنابراین، بازگشت به الگوهای ناب فاطمی نه تنها ما را در ساختن خانواده‌ای سالم و معنوی یاری می‌کند، بلکه مسیر بازگشت به خویشستن حقیقی و آرامشی پایدار را نیز هموار می‌سازد. امروز بیش از هر زمان، نیازمند آنیم که با الهام از سیره آن بانو، سبک زندگی‌مان را پالایش کرده و محبت، صبر و اخلاق را دوباره در مرکز خانواده قرار دهیم؛ جایی که آینده انسان ساخته می‌شود.



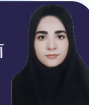


جدول و سرگرمی

هستی پیرزه

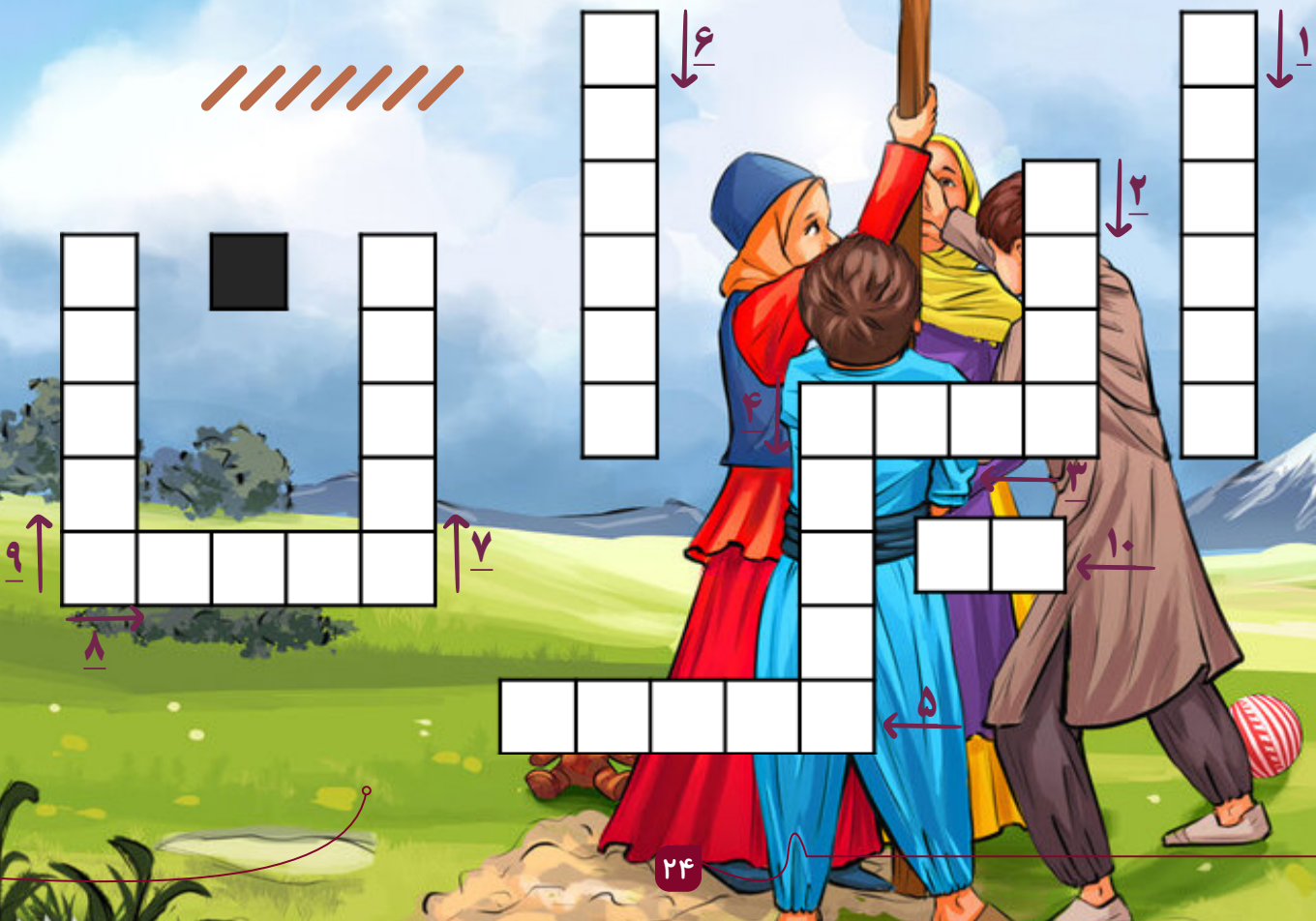
آموزش ابتدایی

ورودی ۱۴۰۳



سوالات

۱. نام سازمان ملل متحد
۲. تنها سیاره منظومه شمسی که امکان حیات دارد؟
۳. علم کوچک‌ترین ذرات مواد
۴. عامل بیماری‌هایی مانند کرونا و آنفولانزا
۵. بالاترین نعمت‌ها
۶. ذره دارای بار مثبت در هسته
۷. علم چگونه راه بحران‌های بهداشتی را حل می‌کند؟
۸. بیماری قند
۹. ایران جزو کشورهای در حال است.
۱۰. ماده‌ای که ریشه اصلی بسیاری از نزاع‌های حال و آینده جهان است؟





کتاب، معمار پنهان ذهن

مهتا یوسفی پور

آموزش ابتدایی

ورودی ۱۴۰۳



مقدمه

در عصر اطلاعات و فناوری‌های دیجیتال، دسترسی به منابع متنوع اطلاعاتی به سهولت امکان‌پذیر است. با این حال، اهمیت مطالعه کتاب همچنان امری غیرقابل انکار است؛ زیرا کتابخوانی فرآیندی است که ذهن را فعال می‌کند، تفکر انتقادی را تقویت می‌نماید و انسان را با دنیای مفاهیم و ارزش‌ها آشنا می‌سازد. مطالعه مداوم می‌تواند به تقویت قدرت تحلیل، بهبود توانایی حل مسئله و توسعه مهارت‌های زبانی و نگارشی بیانجامد و باعث شود فرد افکار و ایده‌های خود را به شکل منسجم و قابل فهمی بیان کند.

کتابخوانی و اهمیت مطالعه

مطالعه کتاب، فرآیندی فعال است که ذهن فرد را درگیر پردازش اطلاعات، تحلیل و استدلال می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که به طور منظم مطالعه می‌کنند، دارای مهارت‌های تحلیلی، تفکر انتقادی و خلاقیت بالاتری هستند. مطالعه متنوع، به ویژه کتاب‌های ادبی و فرهنگی، نه تنها رشد شناختی، بلکه رشد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی فرد را بهبود می‌بخشد. از دیدگاه زبان‌شناسی، کتابخوانی مستمر باعث افزایش دایره لغات، آشنایی با ساختارهای نوشتاری متنوع و بهبود مهارت‌های نگارشی می‌شود. همچنین، مطالعه کتاب‌های علمی و پژوهشی، توانایی فرد را در تحلیل داده‌ها، استدلال علمی و اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شواهد افزایش می‌دهد.

روش‌های ترویج کتابخوانی

ترویج کتابخوانی یک فرآیند چندبعدی است که نیازمند توجه به عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و فرهنگی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که موفقیت در ترویج مطالعه زمانی حاصل می‌شود که همزمان دسترسی، انگیزه، مهارت مطالعه و تجربه لذت‌بخش از خواندن تقویت شوند. ایجاد کتابخانه‌های فعال در مدارس و جامعه و فراهم کردن کتاب‌های الکترونیکی و صوتی، دسترسی به منابع مطالعه را افزایش می‌دهد و انگیزه مطالعه را تقویت می‌کند.

علاوه بر این، تخفیف‌های فرهنگی و بن‌های خرید کتاب نیز دسترسی اقتصادی به کتاب را تسهیل می‌کنند. همچنین اجرای برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های جانبی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند عادت مطالعه را از سنین پایین شکل دهد و ایجاد رقابت‌های سالم و تقدیر از افراد فعال در حوزه مطالعه نیز موجب افزایش انگیزه افراد می‌شود. فعالیت‌های گروهی و باشگاه‌های کتابخوانی نیز با ایجاد محیط‌های گروهی برای بحث و تبادل نظر پیرامون کتاب‌ها، تجربه اجتماعی مطالعه را افزایش می‌دهد و به تثبیت عادت کتابخوانی کمک می‌کند.

مزایا و تأثیر کتابخوانی بر نگارش و مهارت‌های شناختی

کتابخوانی مستقیماً بر مهارت‌های نوشتاری و توانایی بیان فرد تأثیرگذار است. مطالعه آثار ادبی و علمی مختلف، با آشنا کردن فرد با سبک‌ها و شیوه‌های

نوشتاری متنوع، باعث بهبود انسجام و غنای نوشتار می‌شود. علاوه بر این، مطالعه منظم باعث افزایش تمرکز، تقویت تخیل، ارتقای مهارت‌های ارتباطی و کاهش استرس می‌گردد. تحقیقات نشان می‌دهد افراد کتابخوان توانایی بالاتری در تحلیل مسائل پیچیده، استدلال منطقی و خلاقیت دارند. بنابراین، مطالعه کتاب علاوه بر رشد فردی، باعث تقویت مهارت‌های حرفه‌ای و اجتماعی فرد نیز می‌شود.

نتیجه‌گیری

کتابخوانی به عنوان یک فعالیت فرهنگی و آموزشی، نقش محوری در رشد شناختی، ارتقای مهارت‌های نگارشی و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی دارد. ترویج مطالعه از طریق فراهم کردن منابع کافی، استفاده از روش‌های گروهی و خلاقانه و ایجاد انگیزه از سنین پایین، اهمیت فراوانی دارد. تقویت فرهنگ مطالعه نه تنها به رشد فرد کمک می‌کند، بلکه اثرات مثبت گسترده‌ای بر جامعه و توسعه فرهنگی آن دارد و به شکل‌گیری نسلی آگاه، مسئولیت‌پذیر و خلاق منجر می‌شود.

منابع

- اکبری، م.، قاسمی، ج.، و همکari، ن. (۱۴۰۰). ترویج کتابخوانی در مدارس: چالش‌ها و راهکارها. مجله مطالعات آموزشی، ۳۴(۲)، ۶۳-۷۵.
- شریف، ن.، موسویان، م.، و موسوی، ی. (۱۴۰۰). بررسی رابطه میان مطالعه آزاد و مهارت‌های نگارشی. فصلنامه پژوهش‌های زبان فارسی، ۳(۱)، ۲۳-۳۸.



زهره چراغی‌فر

آموزش ابتدایی

ورودی ۱۴۰۱



بررسی تأثیر نظام دوری در آموزش بر یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی

مقدمه

در نظام آموزش ابتدایی، نقش معلم بسیار کلیدی و تأثیرگذار است. نوع ارتباطی که بین معلم و دانش‌آموزان شکل می‌گیرد، می‌تواند بر میزان یادگیری، انگیزه و رشد اجتماعی آن‌ها تأثیر بگذارد. یکی از مدل‌هایی که در برخی کشورها و مدارس اجرا می‌شود، نظام دوری در آموزش یا سیستم پیوستگی معلم است؛ به این معنا که یک معلم، دو سال یا بیشتر همراه یک گروه از دانش‌آموزان می‌ماند و آموزش آن‌ها را در پایه‌های مختلف بر عهده می‌گیرد. این شیوه، برخلاف سیستم سنتی است که در آن هر سال، معلم جدیدی وارد کلاس می‌شود. پرسش اصلی اینجاست که آیا این مدل از آموزش می‌تواند باعث بهبود یادگیری دانش‌آموزان شود؟ در این مقاله، به بررسی مزایا، معایب و یافته‌های پژوهشی درباره این نظام آموزشی خواهیم پرداخت.

مزایای نظام دوری

یکی از مهم‌ترین مزایای نظام دوری در آموزش، درک عمیق‌تر معلم از سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان است. این شناخت تدریجی به معلم این امکان را می‌دهد که روش تدریس، منابع آموزشی و نوع فعالیت‌های کلاسی را متناسب با نیازهای واقعی هر دانش‌آموز تنظیم کند. در نتیجه، فرایند تدریس هدمندتر شده و یادگیری برای دانش‌آموزان مؤثرتر و معنادارتر خواهد بود. یکی دیگر از مزایای نظام دوری در آموزش، کاهش اضطراب دانش‌آموزان در آغاز سال تحصیلی است؛ مزیتی که برای والدین و معلمان نیز اهمیت زیادی دارد. دانش‌آموزانی که سال تحصیلی جدید را با همان معلم سال قبل آغاز می‌کنند، دیگر نگرانی‌هایی مانند آشنایی با معلم جدید، سبک تدریس متفاوت یا قوانین تازه را تجربه نخواهند کرد. در نتیجه، آن‌ها می‌توانند از همان ابتدا با آرامش و تمرکز بیشتری فرایند یادگیری را

آغاز کنند. همان‌طور که گفته شد، در نظام دوری، یک گروه از دانش‌آموزان به مدت دو سال یا بیشتر با معلم خود همراه خواهند بود. بر همین اساس، دانش‌آموزان نیز در این بازه زمانی در کنار یکدیگر باقی می‌مانند که این تداوم موجب تقویت روابط میان‌فردی و اجتماعی بین آن‌ها می‌شود. در چنین فضایی، انجام فعالیت‌های گروهی، تقویت مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض‌ها آسان‌تر خواهد بود؛ چرا که شناخت و اعتماد میان دانش‌آموزان به تدریج شکل می‌گیرد. علاوه بر این، ثبات معلم در نظام دوری موجب می‌شود والدین نیز به تدریج رابطه‌ای معنادار و پایدار با مدرسه و معلم فرزند خود برقرار کنند. این ارتباط بلندمدت، زمینه‌ساز ایجاد اعتماد متقابل، مشارکت مؤثر و همکاری فعال خانواده‌ها در فرایند آموزشی خواهد بود. در چنین شرایطی، والدین با انگیزه و اطمینان بیشتری در امور مدرسه مشارکت کرده و به نوعی، بخشی از جامعه



حل تعارضات، ایجاد اعتماد، مشارکت مؤثر والدین و کاهش اضطراب دانش‌آموزان اشاره کرد. با این حال، چالش‌هایی همچون فشار کاری بر معلمان، تعارضات شخصیتی میان دانش‌آموزان و عدم سازگاری برخی دانش‌آموزان با معلم، از جمله موانعی هستند که اجرای این نظام را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازند. برای بهره‌مندی از آثار مثبت این نظام و کاهش پیامدهای منفی آن، پیشنهاد می‌شود اجرای نظام دوری به‌صورت آزمایشی و داوطلبانه در برخی مناطق آغاز شده و برای مشکلات احتمالی آن برنامه‌ریزی دقیق‌تری صورت گیرد. بدون تردید، با همکاری همدلانه مدیران، معلمان و سیاست‌گذاران، نظام آموزش و پرورش ایران نیز می‌تواند از مزایای این شیوه بهره‌مند شده و گامی مؤثر در جهت بهبود کیفیت آموزش ابتدایی بردارد.

فهرست منابع

Loop, L. (۱۹۹۷). Looping: Supporting student learning through long-term relationships. ERIC.

<https://eric.ed.gov/?id=ED۴۲۸۸۳۲>

Katz, M. (۲۰۲۱). What is looping in education, and why is it beneficial? Understood. org. <https://www.understood.org/en/articles/what-is-looping-in-education>

کاهش تمرکز، استرس و اختلال در روند یادگیری منجر شود. یکی دیگر از چالش‌های مهم نظام دوری، فشار کاری وارد شده بر معلم در اجرای برنامه درسی است. در این نظام، معلم هر سال با همان گروه از دانش‌آموزان به پایهی بالاتر منتقل می‌شود و لازم است بر محتوای درسی پایهی جدید و الزامات برنامه‌ریزی آموزشی آن مسلط شود. این مسئله، به‌ویژه در پایه‌هایی که خارج از تخصص اولیه معلم هستند، می‌تواند بار ذهنی و فشاری مضاعف بر او وارد کند و کیفیت تدریس را تحت تأثیر قرار دهد. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که نظام دوری شیوه‌ای مفید و تأثیرگذار در آموزش است؛ با این حال، چالش‌هایی نیز بر سر راه اجرای کامل و موفق آن وجود دارد. این چالش‌ها باعث می‌شوند که به‌کارگیری صددرصدی این نظام در همه‌ی مدارس، بدون برنامه‌ریزی دقیق، حمایت سازمانی و آمادگی معلمان، دشوار باشد.

نتیجه‌گیری نهایی

نظام دوری در آموزش که طی آن یک معلم به‌مدت دو سال یا بیشتر با یک گروه از دانش‌آموزان همراه است، دستاوردهای مثبت قابل توجهی به‌همراه دارد. از جمله این آثار می‌توان به درک عمیق‌تر سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان، تقویت مهارت‌های اجتماعی، تسهیل در انجام فعالیت‌های گروهی و

یادگیری کلاس خواهند شد. نظام آموزشی دوره‌ای با وجود مزایای فراوان، خالی از چالش نیست و اجرای گسترده آن در برخی کشورها به جهت وجود معایب آن با محدودیت‌ها و موانعی روبه‌روست.

معایب و چالش‌های نظام دوری

از جمله معایبی که نمی‌توان به‌راحتی از آن چشم‌پوشی کرد، ثابت بودن معلم در شرایطی است که بین او و دانش‌آموز رابطه‌ای سازنده شکل نمی‌گیرد؛ به‌عبارت دیگر، گیر افتادن دانش‌آموز با معلمی که برای او مناسب نیست. از آن‌جا که یادگیری مؤثر در گرو برقراری ارتباط سالم و مثبت میان معلم و دانش‌آموز است، اگر چنین ارتباطی طی دو سال یا بیشتر شکل نگیرد، روند آموزش دچار اختلال خواهد شد. در چنین شرایطی، احتمال بروز افت تحصیلی، افزایش استرس و بروز تعارض‌های مداوم در کلاس بسیار زیاد خواهد بود. هماهنگی و سازگاری بین دانش‌آموزان نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار بر موفقیت آموزشی است. یکی دیگر از چالش‌های نظام دوری، ثابت ماندن ترکیب دانش‌آموزانی است که از نظر شخصیتی با یکدیگر ناسازگارند. کلاس درس باید محیطی امن و آرام برای یادگیری باشد؛ اما اگر دانش‌آموزان درگیر تعارض‌های شخصیتی طولانی‌مدت باشند، این فضا از حالت مطلوب خود خارج شده و تنش‌های بین‌فردی ممکن است به



Why Teaching English to Teachers Matters?

مهديه آريان پور
آموزش ابتدایی
ورودی ۱۴۰۳



In today’s rapidly changing world, English has become more than just a foreign language; it is a practical tool that deeply influences learning, communication, and personal growth. For teachers, having even a moderate level of English can open doors that directly improve the quality of their teaching and expand the opportunities they can offer to their students.

One of the most important reasons English matters for teachers is access to knowledge. A large part of modern educational research, new teaching strategies, and global academic discussions is available primarily in English. When teachers understand English, they no longer have to rely on limited translated materials. Instead, they can read original sources, explore new ideas in depth, and stay updated with the latest developments in education around the world. This not only increases their professional confidence but also helps them bring richer, fresher content into the classroom.

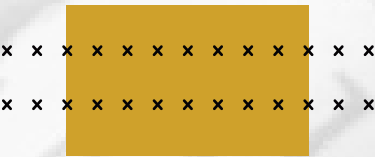
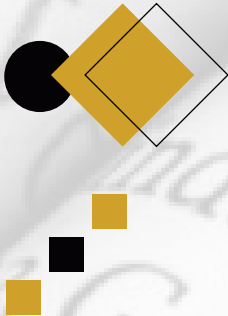
Another advantage is communication. Knowing English allows teachers to connect with educators from different countries, join international workshops, and learn from real experiences across cultures. These interactions broaden their understanding of teaching and help them discover creative solutions to classroom challenges. In a world where schools are becoming more connected, these skills help teachers feel part of a larger professional community.

English also gives teachers the ability to guide students more effectively. Many students dream of participating in exchange programs or accessing global online courses. Teachers who understand English can support these dreams, answer questions with confidence, and guide their students toward realistic and achievable goals. In this way, even a teacher who does not teach English directly can still play a meaningful role in shaping a student’s future.

Finally, improving teachers’ English is an investment in the larger educational system. When teachers grow, the quality of education rises. Students become more motivated, classrooms become more dynamic, and the school environment becomes more open to new ideas. English, therefore, is not just a subject; it is a tool that strengthens teachers and, through them, strengthens society.

Definitions

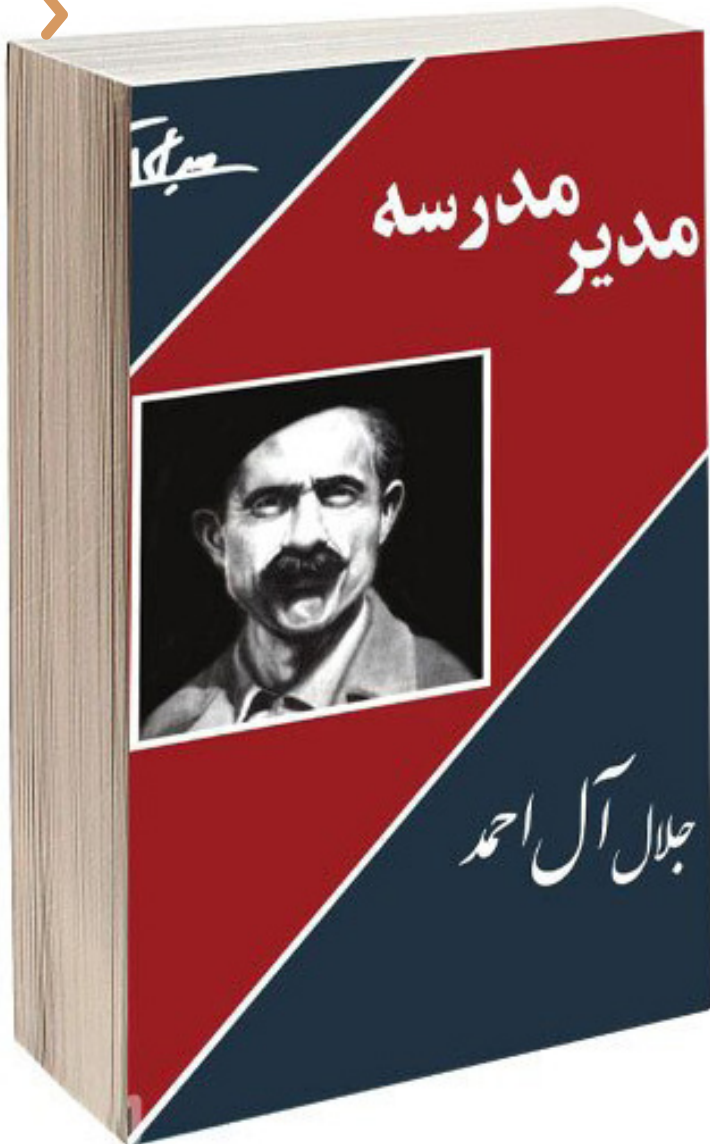
- **Moderate:** average in amount (level); not too much or too little.
- **Broaden:** to make something wider or increase its range.
- **Academic resources:** materials used for study or research, such as books and articles.
- **International workshops:** learning events with participants from different countries.
- **Professional community:** a group of people in the same job who share knowledge.
- **Investment:** the use of time, effort, or money to get a future benefit.





چهره پنهان نظام آموزشی؛ روایت مدیری که فرار کرد

زهرا چراغی فر
آموزش ابتدایی
ورودی ۱۴۰۱



عنوان: مدیر مدرسه

نویسنده: جلال آل احمد

ژانر: رمان اجتماعی

سال انتشار: ۱۳۳۷

رمان «مدیر مدرسه» یکی از آثار شاخص جلال آل احمد است که با نگاهی طنزآمیز و انتقادی، فضای آموزشی ایران دهه ۳۰ را روایت می‌کند. داستان از زبان معلمی گفته می‌شود که برای رهایی از بی‌نظمی‌های کلاس درس، مدیریت یک مدرسه ابتدایی را می‌پذیرد؛ اما خیلی زود می‌فهمد که پشت میز مدیریت هم آرامشی در کار نیست.

آل احمد در این کتاب مدرسه را نمادی از جامعه نشان می‌دهد؛ جایی که کمبود امکانات، توقعات بی‌پایان، فشارهای اداری و تصمیم‌های بی‌هدف، مدیر را به ستوه می‌آورند. او با زبانی ساده و طعنه‌آلود روابط میان معلمان، اولیا و اداره را تصویر می‌کند؛ روابطی که گاه خنده‌دار و گاه تلخ‌اند. مدیر اعتراف می‌کند: «هیچ‌کس در این اداره نمی‌داند دقیقاً چه می‌کند، اما همه طوری رفتار می‌کنند که انگار کارشان از جان مردم مهم‌تر است.»

«مدیر مدرسه» فقط داستان یک مدیر درمانده نیست؛ آینه‌ای است از جامعه‌ای که در آن ساختارهای ناکارآمد، افراد را مسخ می‌کنند. همین نگاه واقع‌گرایانه و بی‌پرده باعث شده این کتاب برای خوانندگان امروز هم کاملاً آشنا و ملموس باشد.

اگر به ادبیات اجتماعی و نقد نظام آموزشی علاقه‌مندید، این کتاب یکی از بهترین و خواندنی‌ترین انتخاب‌هاست.



خاطرات دفاع مقدس

مهدیه آریان پور
آموزش ابتدایی
ورودی ۱۴۰۳



که باید جلو می‌رفتیم، با صحنه‌ای کاملاً غیرمنتظره روبه‌رو شدیم. یک گراز وحشی با یک لک‌لک بزرگ مهاجر درگیر شده بودند! تا ما را دیدند، گراز فرار کرد و لک‌لک هم پرواز کرد. ما هم از ترس، به عقب پریدیم! 😊 چند دقیقه‌ای خشکمان زده بود که چه اتفاقی افتاده، سپس آرام‌آرام خنده‌مان گرفت و قول دادیم: «به کسی نگوئیم!» بعد از آن، دوباره خودمان را جمع‌وجور کردیم و وارد آب شدیم. شناسایی با موفقیت انجام شد و سالم برگشتیم. این ماجرا تا مدت‌ها میان بچه‌ها مطرح نمی‌شد، اما بعدها که فضای طنز در جبهه شکل گرفت، یکی از خاطرات شیرین و خنده‌دار ما شد که همیشه برای دوستان تعریف می‌کنیم و باعث خنده‌شان می‌شود.

وجود داشت و زمین کاملاً خیس و لغزنده بود. با احتیاط بسیار پیش رفتیم تا سر نخوریم. به دلیل ماهیت شناسایی، سلاح گرم همراه نداشتیم و فقط یک سرنیزه یا کارد غواصی برای دفاع شخصی با خود حمل می‌کردیم. آرام‌آرام در امتداد نهر حرکت کردیم تا به نزدیکی مواضع دشمن برسیم و برای شب عملیات آمادگی بیشتری داشته باشیم. ناگهان در سمت راست‌مان از داخل نیزارها صدایی شنیدیم. نیزارها بلند و متراکم بودند و با حرکات آرامی تکان می‌خوردند. با خود گفتیم: «امشب کار بزرگی در پیش داریم؛ احتمالاً با گروه شناسایی عراق روبه‌رو شده‌ایم» مسیرمان را به سمت صدا تغییر دادیم و با هماهنگی همدیگر دور نقطه را گرفتیم. قرار بود در یک لحظه حمله کنیم. اما درست در لحظه‌ای

شب غواصی

راوی: بهزاد جولایی (رزمنده دفاع مقدس در گردان بلال لشکر ۷ ولعصر عج) و غواص عملیات والفجر ۸)

پیش از هر عملیات، همراه بچه‌های اطلاعات و شناسایی لشکر، برای بررسی وضعیت دشمن اعزام می‌شدیم. این شناسایی‌ها اهمیت زیادی داشت، زیرا باید از آرایش نیروها، سازمان و نوع گسترش دشمن آگاه می‌شدیم و نیروهای خودی را بر اساس آن توجیه می‌کردیم. یک شب، همراه سه نفر دیگر از نیروهای اطلاعات، راهی منطقه نهر ۱۳ اروندکنار شدیم. لباس غواصی به تن داشتیم و از داخل نهر عبور کردیم. وقتی بالا آمدیم، لبه‌ای شبیه خاکریز



مأموریت شبانه در فاو

راوی: منصور لیاقت مهر (رزمنده دفاع مقدس در گردان عمار لشکر ۷ ولیعصر و پیک لشکر عملیات والفجر ۸ و عضو گروهان غواص در عملیات کربلای ۴)

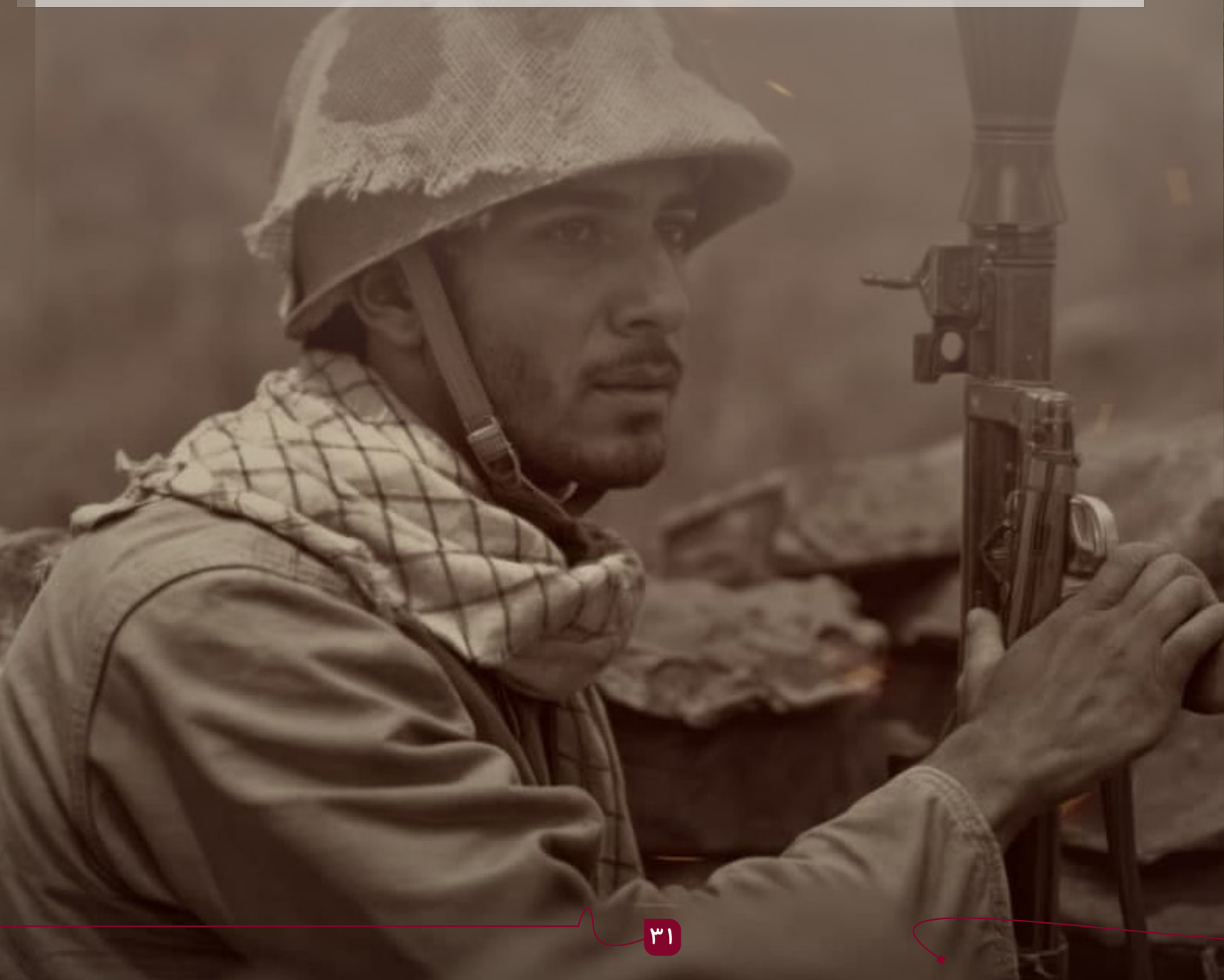
پس از عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو، من به عنوان پیک لشکر فعالیت می کردم. برای جلوگیری از استراق سمع بی سیم ها توسط دشمن، فرماندهان خبرها، گزارش ها و دستورات را از طریق نامه به فرماندهی لشکر منتقل کنند و کار پیک ها در آن دوران بسیار حساس و مهم بود. حدود ساعت دو یا دو و نیم شب از دفتر فرماندهی خواستند که پیک اعزام شود و نوبت من بود. نامه ها را گرفتم تا به خط مقدم ببرم و آن ها را به دست فرمانده دسته ها، فرمانده گروهان ها و مسئولین ادوات و بخش های لازم برسانم. منطقه را به خوبی می شناختم. درست لحظه حرکت، آقای رهنما، از نیروهای اطلاعات که بعدها در عملیات کربلای

چهار به شهادت رسید، گفت: «من هم می آیم تا مسیر را تا خط مقدم همراهت باشم.» با موتور راه افتادیم و در تاریکی مطلق بین نخل ها حرکت می کردیم. امکان روشن کردن چراغ موتور به جهت احتمال برخورد با موانع، دشمن و یا حتی درگیری ناگهانی با گراز وحشی وجود نداشت. به سمت خط پدافندی که بعد از عملیات ایجاد شده بود حرکت کردیم. نزدیک خاکریز، ناگهان چرخ موتور در یک گودال بزرگ فرو رفت. هر دو نفر پرت شدیم! وقتی بلند شدیم، دست من زخمی شده بود و پای آقای رهنما نیز خراش برداشته بود. موتور هم آسیب دیده بود و بنزینش ریخته بود. دلم نمی آمد موتور را رها کنم. با زحمت، موتور را کشانیدیم بالا و به سوی خط مقدم حرکت کردیم؛ به آرامی تا کنار خاکریز پیش رفتیم تا به مقر رسیدیم. موتور را کنار خاکریز گذاشتم و وارد مقر لشکر ۷ ولیعصر (عج) شدم. نامه ها را تحویل دادم تا سریع میان

مسئولان تقسیم شود. مشغول کار بودیم که دشمن پاتک شدیدی را شروع کرد. عراق پس از والفجر ۸ دائماً پاتک می زد تا فاو را پس بگیرد. به سرعت وارد سنگر فرماندهی شدیم که ناگهان یک گلوله توپ دقیقاً کنار موتور به زمین خورد و موتورم تکه تکه شد! همان موتوری که با سختی تا آن جا آورده بودیم... تا صبح آن جا کنار معاون فرمانده لشکر (شهید کوسه چی) ماندیم. او به من گفت: «نمی گذارم در این موقعیت به عقب برگردی؛ همین جا تا صبح بمان.» در پشت جبهه اما ستاد لشکر تصور کرده بود که ما شهید یا مجروح شده ایم؛ چون دیگر بازنگشتیم. صبح روز بعد، یکی از بچه های هم سنگر با موتور خودش ما را به ستاد رساند.

یاد آن روزها بخیر...

به نیت شادی روح تمام شهدای هشت سال دفاع مقدس، صلوات ختم کنید.





مریم صابرزاده

آموزش زبان و ادبیات فارسی

ورودی ۱۴۰۳



از من می‌رس که کیستی، که خویشتن نیز در تو گم‌ام...

ای آن‌که در حریرِ پندار پنهانی، و در جامه‌ی غیاب،
حضورت را به رخ می‌کشی،
نه بر گُرسی نامی، و نه در آینه‌ی زنگار؛
تو را نه به قرینه‌ی دیدار می‌شناسم، بل از قرائتِ
رعشه‌ای در عمق خلوت جان.
هر نسیم، نشانه‌ای از تو دارد،
و هر سکوت، زمزمه‌ای از حضور بی‌نامت.

تو آنی که در دریای افلاک نیز، تمثالی نداری،
و آنی که در زوایایِ نهان هستی، هزار رخسار بر نقابِ یک سکوت آویخته‌ای.
عشق به تو، نه از نوع تمنای وصل است،
که از جنسِ ابتلای آینه به نور،
بی‌آن‌که لمس کند، روشن می‌شود و می‌سوزد.

در غیابت، حضور یافته‌ام،
و در حضورت، گم.
ای ترجمانِ رمزهای ناسفته،
ای تأویلِ سطرهای نامکشوف،
در کدام دفتر، نامت را نگاشته‌اند
که هر بار، در حین خوانشِ خویش، به تو می‌رسم؟

دل، آستان تو را معبد می‌انگارد،
و هر سحر، در خلوت خاموشی، توراتِ نگاهت را تلاوت می‌کند،
بی آن‌که نَصی باشد، بی آن‌که کتابی گشوده شود.

تو نه آنی که بیایی،
نه آنی که بروی؛
تو اقامتگاهی هستی در برزخ معنا،
و من، مسافری‌ام در تبعیدِ اندیشه،
که هرچه بیشتر به تو می‌نگرم،
کمتر به خویشتن واقف می‌شوم.



کاری از بسیج دانشجویی مرکز آموزش عالی حضرت خدیجه کبری (س) دزفول

